

بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران (۳): ارزیابی شخصیت حقوقی

شیرین میزان‌دار و دکتر اسدالله یآوری

چکیده:

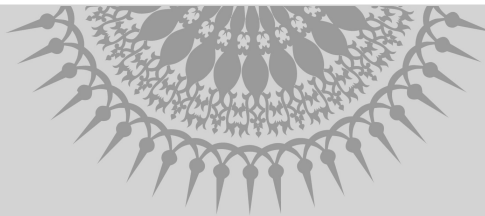
همان‌گونه که در دو قسمت پیشین مقاله آمد سازمان اسناد ملی یکی از سه سازمان وابسته به سازمان امور اداری و استخدامی کشور بود، که برای جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی و نیز صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی با هدف دسترسی عموم به این اسناد، تأسیس شد.

در بررسی صلاحیت‌های سازمان، خواهیم دید که نهادی چون سازمان مدارک فرهنگی، در کتابخانه ملی ادغام شد؛ لکن این فرصت برای سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران به‌وجود نیامد تا با فهم مشترکی از دلایل و نحوه ادغام، خود را مهیای آن کنند. لذا تصمیم بر ادغام، انتقادات زیادی از سوی متخصصان علوم کتابداری و آرشیوداران مطرح در این عرصه را در پی داشت. به‌نحوی که پس از گذشت دست‌کم ۱۵ سال از زمان ادغام، برخی هنوز بر این باورند که ادغام فوق، تصمیمی غیرکارشناسی و نسنجیده بوده است. از این‌رو، ناکارآمدی و عدم توفیق سازمان در سال‌های بعد را به آن نسبت می‌دهند؛ در مقابل، عده‌ای دیگر، ضعف قوانین و مقررات سازمان نداشتن ضمانت اجرایی کافی و در نتیجه عدم تمکین سایر دستگاه‌ها به مقررات آن را دخیل در عدم توفیق سازمان قلمداد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتابخانه ملی ایران، سازمان اسناد ملی ایران، ادغام، ارزیابی.

آرشیو ملی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲، صص: ۴۰-۷۹



بررسی ادغام سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه ملی ایران (۳): ارزیابی شخصیت حقوقی

شیرین میزان‌دار^۱ و دکتر اسدالله یآوری^۲

مطالبی که در این قسمت مقاله به آن پرداخته می‌شود، جایگاه حقوقی سازمان در بین تشکیلات اداری کل کشور، صلاحیت‌های محلی، ملی و فراملی است. بررسی جایگاه حقوقی ارکان سازمان، و اعتبار مصوباتشان، از دیگر مباحث این قسمت مقاله است، در این مقاله ضمن تبیین وضعیت موجود، تلاش خواهد شد، ذیل هر مبحث، چالش‌های آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد. ضرورت‌های آینده سازمان نیز، در مباحث پایانی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. نحوه سازماندهی مطالب به سیاق دو قسمت پیش مبتنی بر تفکیک بخش اسناد و کتابخانه است.

۱- وضعیت حقوقی حاکم بر سازمان

ذیل این گفتار قوانین و مقرراتی که در شکل‌گیری صلاحیت‌های امروزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی دخیل بوده، یا به عبارتی اثرگذار بر صلاحیت‌های سازمان در وضعیت فعلی آن هستند، تبیین و سپس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱-۱- بند اول- قوانین

۱-۱-۱ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷.

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی، رئیس اداره حقوقی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛

mizandarshirin@yahoo.com

۲. دکترای حقوق عمومی، استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی؛
a_yavari@sbu.ac.ir



قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مشتمل بر هشت ماده و شش تبصره پس از تصویب مجلس سنا در تاریخ ۱۳۴۹/۰۱/۲۲ در جلسه روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۹ به تصویب رسید.

۱-۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ و ماده ۹ الحاقی آن).
قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۲ آبان ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. بعداً یک ماده دیگر به آن اضافه شد. این قانون مشتمل بر ۹ ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۹ خرداد سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی تصویب شده و در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

۱-۳ قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰
موضوع تشکیلات و صلاحیت‌های شورای عالی اداری.
بر اساس بند یک قسمت سیاست‌های عمومی از بخش سیاست‌های کلی قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، موضوع کاهش حجم بخش دولتی، دولت وقت تصمیم با اعمال روش‌هایی همچون حذف برخی از تشکیلات یا ادغام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، به شناسایی و احصاء مشمولان حکم مقرر در این ماده گرفت. از جمله دستگاه‌هایی که در واپسین لحظات اعتبار قانون یادشده، مشمول حکم شد، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی بود. سازمان مذکور که نهادی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، از طریق اعمال بند فوق، با تصویب شورای عالی اداری در کتابخانه ملی ادغام شد.

۱-۴ قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷
موضوع تشکیلات و صلاحیت‌های شورای عالی اداری.

محتوای قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه در حوزه سیاست‌های عمومی، با موضوع کاهش حجم دولت از طریق ادغام وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی، این بار به‌طور منسجم و سازمان‌یافته‌تری در برنامه سوم تکرار شد. ضرورت موضوع در حدی بود که این مطلب، در فصل اول از بخش اول قانون گنجانده شد تا دولت بتواند از این طریق، اهداف کلان خود را تعقیب کند. ماده یک فصل یک با عنوان اصلاح ساختار اداری و مدیریت، به این موضوع اختصاص یافت و اجرای مدلول ماده با صلاحیت‌های مشخص، به شورای عالی اداری با ترکیب اعضای مشخص، محول شد. ذکر و بررسی این قانون از جهات گوناگونی حائز اهمیت است. صرف‌نظر از اینکه برخی از منتقدان، ادغام دو سازمانی که دارای قوانین مستقل و با اعتباری برابر به لحاظ مرجع تصویب هستند و نسخ ضمنی برخی از صلاحیت‌های یکی از آن



دو، بر اساس تصمیم یک مرجع اداری نظیر شورای عالی اداری - که شأنی دوتن شأن تقنینی قوه مقننه داشت - مورد نقد قرار می‌دهند، به زعم برخی دیگر از حقوقدانان برجسته، اساساً قوانین برنامه پنج‌ساله، که یک قانون موقت بوده و منشاء آن، قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ است، نمی‌تواند اثرگذار بر قوانین پایدار و دائمی باشد. بنابراین، نسخ ضمنی صلاحیت‌های قوانین دائمی و پایداری که به تصویب مرجع قانونگذاری رسیده‌اند، توسط احکام مقرراتی، که منشاء ایجاد آن‌ها، قوانین برنامه‌ای پنج‌ساله بوده است را در معرض نقد قرار می‌دهند (کاشانی، ۱۳۹۳).

گرچه برخی از الزامات حقوقی در نسخ ضمنی برخی مواد قانونی، در این رهگذر، نادیده انگاشته شده، لکن با توجه به جواز حاصله از بند ب ماده یک قانون برنامه سوم - در باب اختیار ادغام دستگاه‌های دارای وظایف موازی - شورای عالی اداری صلاحیت خویش را در زمینه تصمیماتش از قانونگذار دریافت داشته است و از این لحاظ، به نظر می‌رسد خدش‌های بر صلاحیت و در نتیجه، بر مصوباتش، وارد نباشد. در هر صورت چه پذیرای این نقد باشیم، چه نباشیم، این سبک تدوین قوانین، به صورت یک رویه در طی سه دوره قوانین برنامه‌های پنج‌ساله، حداقل در خصوص صلاحیت‌های قانونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اثرگذار بوده است و ملاحظه می‌شود که طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، صلاحیت‌های سازمان کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته است.

۱-۲ بند دوم: مقررات

۱-۲-۱ مصوبه شماره ۱۴/۲۴۲ موضوع انتزاع سازمان مدارک فرهنگی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغام آن در کتابخانه ملی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۹.

پیش از ورود به بحث، نخست لازم است اندکی راجع به وضعیت حقوقی سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و جایگاه آن پیش از ادغام در کتابخانه ملی، توضیحاتی ارائه شود تا با درک صلاحیت‌های آن، صلاحیت‌های جدید کتابخانه ملی پس از ادغام با این نهاد، مورد ارزیابی قرار گیرد.

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمانی برآمده از «قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» است، که در اجرای بند ۵ ماده ۳ همان قانون و بنا بر پیشنهاد شماره ۱۴۸۲/۷۲۶۹/۱۱ مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب هیئت وزیران در مورخ ۱۳۶۷/۰۴/۲۸ با شماره ۴۴۴۰/ت ۳۰۶ تأسیس شد. بر اساس مفاد اساسنامه مصوب هیئت وزیران، این سازمان، سازمانی فرهنگی و تحقیقاتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است. هدف سازمان بر اساس ماده دو اساسنامه عبارت است از گردآوری،



تمرکز، رده‌بندی و اشاعه اطلاعات و مدارک فرهنگی و انتشارات مربوط به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و فراهم‌آوردن امکانات لازم برای پژوهش، مطالعه و بهره‌برداری از این اطلاعات و شناساندن مبانی، مظاهر و اهداف انقلاب اسلامی.

با اندکی تأمل در اساسنامه سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مقایسه آن با مفاد اساسنامه کتابخانه ملی، مشابهت امور و هم‌پوشانی برخی از وظایف این دو نهاد، قابل‌ملاحظه است. لذا بر همین اساس، شورای عالی اداری در هشتاد و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور اداری و استخدامی کشور، در راستای سیاست‌های دولت و اهداف و تکالیف مندرج در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تحدید تشکیلات دولت و کاهش هزینه‌های اداری و با جواز حاصله از اختیاراتش در شناسایی و احصاء وظایف مشابه و تکراری دستگاه‌های اجرایی کشور، طی مصوبه شماره ۱۴/۲۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ انتزاع این سازمان را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادغامش در کتابخانه ملی را تصویب کرد. این مصوبه در چهار بند و یک تبصره تنظیم یافته، مستند قانونی تصویب آن همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانون برنامه دوم می‌باشد و هدفش از تجمیع وظایف در یک نهاد واحد، افزایش کارایی و استفاده از بودجه و امکانات در انجام وظایف قانونی آن‌هاست. در مجموع دو حکم کلی می‌توان از این مصوبه استخراج کرد. از یک‌سو کتابخانه ملی را موظف به بازنگری و اصلاح اساسنامه و لحاظداشتن صلاحیت‌های مربوط به سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی می‌کند و از دیگر سو، اصلاح تشکیلات، با رعایت مفاد مصوبه را نیز به‌عنوان تکلیف دوم برعهده سازمان جدید می‌گذارد.

در این تحقیق با بررسی سوابق و مدارک مشخص شد، پس از ادغام، صرفاً اصلاح تشکیلات اداری در دستور کار قرار گرفته، لکن نسبت به اصلاح و بازنگری اساسنامه اقدامی صورت نپذیرفته و این موضوعی است که موردنقد برخی از منتقدان، به‌ویژه اعضای سابق سازمان مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی قرار گرفته است. برخی از آنان بر این عقیده‌اند که در ادغام دو سازمان، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در کتابخانه ملی حل شده و اثری از صلاحیت‌های قبل از ادغامش با کتابخانه ملی در وضعیت پس از ادغام بر جای نمانده است. اما همان‌گونه که در صدر مطالب اشاره شد، یکی از عوامل اصلی ادغام دو سازمان هم‌پوشانی صلاحیت‌های قانونی آن‌ها بوده و تأمل در ماده ۳ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، به‌خصوص بند ۲ این ماده، که کاملاً ناظر بر صلاحیت‌های سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی می‌باشد، مؤید این مطلب است که این ادغام در هماهنگی کامل با اهداف قانونگذار در ادغام نهادهای موازی صورت پذیرفته، از این‌رو اصلاح مفاد اساسنامه کتابخانه ملی در آن



مقطع زمانی به عنوان یک ضرورت دنبال نشده است. با این توضیح به نظر می‌رسد، خدشه‌ای بر عدم بازنگری مفاد اساسنامه کتابخانه ملی - که به عنوان یکی از تکالیف مصوبه بر آن تأکید شده بود - وارد نباشد. از طرفی به لحاظ مرجع تصویب قوانین و مقررات، سلسله مراتبی بین مقررات وجود دارد زیرا هر مقرره‌ای، صرفاً از طریق مرجع تصویب آن یا مرجع قانونگذاری فراتری قابل تغییر یا نقض و اصلاح است. بنابراین، درحالی که مرجع تصویب مصوبه ۱۴/۲۴۲، شورای عالی اداری است، و مرجع تصویب قانون اساسنامه کتابخانه ملی، مجلس شورای اسلامی است، قاعدتاً همان مرجع یعنی مجلس شورای اسلامی می‌تواند نسبت به هرگونه تغییر یا اصلاح قانون مصوب، تصمیم گیرد.

۱-۲-۲ مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری موضوع ادغام کتابخانه ملی با سازمان اسناد ملی.

وظیفه تنظیم تشکیلات کلان دولت ملهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌ویژه اصول دوم، سوم، چهل و سوم، شصتم، یکصد و بیست و ششم، یکصد و سی و سوم، تکلیفی است که در موارد مختلف از برنامه دوم توسعه به بعد نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن تأکید شده است. نگاهی به سیر تطور وزارتخانه‌ها در سال‌های متمادی، نشان‌دهنده این است که به اقتضای شرایط خاص کشور یا مجلس و دولت، گاهی اوقات با اعمال سلاقی خاص وزارتخانه‌هایی ایجاد، حذف یا ادغام شده است. اگرچه شایسته‌ترین روش، بررسی دقیق و کارشناسانه اهداف، مأموریت‌ها، وظایف دولت و احصای آن‌ها در سطح کلان و طبقه‌بندی آن‌ها در امور مختلف است - به نحوی که به امر یک یا چند وزارتخانه و یا به چند امر یک وزارتخانه بپردازد - و بدون بررسی همه‌جانبه، نتوان محدودیت کمی برای وزارتخانه‌ها قائل شد، اما در طول سال‌های اخیر به‌ویژه از برنامه دوم توسعه به بعد، همواره شاهد ادغام‌ها یا انتزاع‌هایی در ساماندهی تشکیلات اداری دولت بوده‌ایم که سازمان اسناد و کتابخانه ملی نمونه بارزی از این انتزاعات و ادغام‌هاست (میرمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹-۱۸۸).

گرچه پیش‌تر کتابخانه ملی، تجربه ادغام با نهاد دیگری (سازمان مدارک انقلاب فرهنگی) را در سابقه خود داشت، با این وجود، یکی از مهم‌ترین رخدادهای مربوط به این سازمان، موضوع ادغام کتابخانه ملی با سازمان اسناد ملی است. اهمیت این ادغام از آن جهت است که هریک از این دو نهاد دارای قانون مصوب مجلس (یکی مجلس شورای ملی و دیگری مجلس شورای اسلامی) هستند. لذا تحت الشعاع قرارگرفتن قوانین یادشده، از طریق اعمال مصوبه شورای عالی اداری، اندکی قابل تأمل است. همین نکته، اهمیت بررسی این مصوبه را، دوچندان می‌کند. به هر حال بررسی دقیق‌تر زوایای قانونی مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری کمک شایان توجهی به تبیین وضعیت حقوقی فعلی سازمان



می‌کند لذا برای سازماندهی مطالب ناگزیر از یک تقسیم‌بندی مناسب در بررسی مفاد آن به شرح ذیل هستیم:

الف- تبیین محورهای اصلی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری:

مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری به لحاظ بررسی محتوایی مشتمل بر سه بخش است که بخش اول آن ناظر بر مبانی قانونی، بخش دوم دربردارنده اهداف و منظور مصوبه و در نهایت بخش سوم معطوف به احکام آن است.

الف-۱ مبانی قانونی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: این مصوبه در نود و پنجمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بر اساس صلاحیت‌های ناشی از ماده یک قانون برنامه سوم توسعه -به شرحی که در قسمت قانون برنامه سوم آمده است- در شورای عالی اداری تصویب شد.

الف-۲ اهداف مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: در متن مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری هدف از مصوبه چنین توصیف شده است که به منظور ساماندهی مدیریت اسنادی و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از وظایف تکراری، سازمان اسناد ملی ایران با کلیه وظایف، اختیارات، امکانات، اعتبارات، نیروی انسانی، اموال، مدارک و تعهدات، از تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱ از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منتزع و با کتابخانه ملی ادغام می‌شود و عنوان آن به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تغییر می‌یابد.

دقت در متن مصوبه، این واقعیت را آشکار می‌سازد که شورای عالی اداری، در واقع با کنار هم گذاشتن اهداف هر یک از این دو سازمان -که پیش‌تر در قوانینشان مدون شده بود- هدف از تصویب یا به عبارت دیگر، ادغام دو مؤسسه با یکدیگر را بیان داشته و آنچه که علاوه بر این موضوعات بدان اشاره شده، صرفاً جلوگیری از وظایف تکراری بوده است. اما دقیقاً مشخص نکرده، چه وظایفی در این دو مؤسسه به نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تکراری بوده، که بر اساس آن این ادغام صورت پذیرفته و همین ابهام در تعیین مصادیق وظایف تکراری، سازمان را در تدوین تشکیلات، دچار چالش کرده است. جالب آنکه در زمان تصویب نیز، به نظر می‌رسد در مشابهت وظایف دو مؤسسه، اقتناع کافی حاصل نشده، لذا به نحو محتاطانه‌ای، در قسمت ج از بند ۲ بلافاصله بر انجام فعالیت‌های هریک از این دو نهاد، تحت عنوان دو معاونت مستقل با عناوینی که مبین استقلال تخصصی هر یک آن‌هاست، تأکید می‌شود. البته این



موضوع ذیل عنوان آسیب‌شناسی مصوبه به نحو مفصل‌تری بحث خواهد شد.

الف-۳ احکام مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: احکام متنوع و متعددی از مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری قابل‌استنباط است، که به مختصراً به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

- بند ۲ مصوبه مشتمل بر سه قسمت «الف»، «ب»، «ج» و «د» است. قسمت «الف» سازمان جدید را به بررسی و تطبیق وظایف دو سازمان سابق، و احصاء و ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه، تکراری و موازی موظف می‌سازد. قسمت «ب» از بند دو مصوبه، بخشی از وظیفه‌ای که در قسمت پیشین بر عهده سازمان گذارده بود را خود ایفا کرده و بر تجمیع بخش‌های پژوهشی هر دو سازمان حکم می‌دهد. قسمت «ج» حکمی با این مضمون را مقرر می‌دارد که وظایف و مأموریت‌های تخصصی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تحت دو معاونت مستقل با عناوین «کتابخانه ملی» و «اسناد ملی» با برنامه مستقل در قوانین بودجه سنواتی انجام می‌یابد و بالاخره در بند «د»، با شرایط مذکور در بندهای پیش گفته، سازمان جدید به تهیه تشکیلات اداری خود موظف می‌شود.

- بند ۳ مصوبه، در عین معتبردانستن قوانین موردعمل دو سازمان سابق، بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در موارد مغایر، تأکید می‌کند. این بند مشتمل بر دو تبصره است. در تبصره اول وظایف اجرایی مربوط به فروش اوراق امحایی، که تا آن زمان بر عهده سازمان اسناد ملی بوده را به دستگاه‌های اجرایی واگذار کرده و تبصره دوم نیز ناظر بر تعیین تکلیف ساختمان‌های مازاد هر دو دستگاه است.

- با توجه به اینکه سایر بندهای مصوبه تا پایان، به بخش اسناد و تحولات آن حوزه اختصاص یافته، به نظر می‌رسد توجه و تأکید ویژه‌ای بر این بخش از سازمان وجود داشته و این‌گونه می‌توان استنباط کرد که شاید هدف از ادغام، بیشتر متوجه تقویت بخش اسناد ملی از طریق هم‌افزایی بوده است. ناگفته نماند که به موازات توجه و تأکید ویژه به بخش اسناد، صلاحیت‌های آن نیز به نحو چشمگیری گسترش یافته و در این راستا و در جهت تحقق اهداف مصوبه علاوه بر تکالیف فوق، تکالیفی نیز بر عهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گذارده شده است، از جمله وظیفه مربوط به ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی و تنظیم روش‌های نگهداری و بایگانی از طریق سازمان مدیریت (موضوع بند ۴ مصوبه)، یا اعطای اعتبارات لازم به مؤسسات و واحدهای اسنادی در تحقق اهداف مصوبه (موضوع بند ۷ مصوبه) را از این دسته می‌توان قلمداد کرد. جالب است که در این میان دستگاه‌های اجرایی کشور نیز از تکالیف مندرج در این مصوبه بی‌نصیب نمانده و بر اساس بند ۶ مصوبه، واحدهای اسنادی به تبعیت از ضوابط و استانداردهای سازمان اسناد و کتابخانه ملی مکلف شده‌اند.



الف-۴ آسیب‌شناسی مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری: به نظر می‌رسد شتاب‌زدگی در اجرای قانون برنامه سوم توسعه در شناسایی و احصای دستگاه‌های مشمول حکم ماده یک قانون یادشده، در راستای کاهش حجم دولت و نهایتاً شناسایی کتابخانه ملی و اسناد ملی، به‌عنوان دو دستگاه مناسب در اجرای حکم قانون از یک سو و عدم اعطای فرصت مناسب به دو سازمان و کارکنان آن، در آمادگی و تمهید مقدمات لازم در پذیرش امر ادغام از دیگر سو، از آسیب‌های جدی اجرای این طرح بوده باشد. کماکان می‌توان ردپای آثار نامیمون این شتاب‌زدگی را در لابه‌لای اظهارنظرهای کارشناسان و صاحب‌نظران برجسته هر دو سازمان به‌خوبی حس کرد (مرادی، ۱۳۹۲).

برخلاف ادغام سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی که بنا به نظر هر دو نهاد ذی‌نفع (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه ملی ایران) صورت پذیرفت، این‌بار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی راساً و بدون لحاظ داشتن نظر دو سازمان (اسناد ملی و کتابخانه ملی) و صرفاً بنا به تشخیص خود به این امر مبادرت ورزید. نتیجه آنکه، پس از تصمیم بر ادغام و در خلال آن، سازمان جدید را مکلف به بررسی و تطبیق وظایف دو سازمان در جهت احصاء و ادغام وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه و تکراری و تهیه و ارائه تشکیلات سازمان، ظرف سه‌ماه می‌کند. با این وجود و در نگاهی گذرا به روند اجرای مصوبه به‌نظر می‌رسد مقصود نهایی تدوین‌کنندگان مصوبه در بخش اسناد تأمین نشده و بخش اسناد نه‌تنها از این هم‌افزایی بهره‌ای نبرده، بلکه از نقش هدایتی و نظارتی خود که پیش از ادغام بر سایر دستگاه‌ها داشته، بازمانده است. به‌ویژه با محول شدن نقش سازمان اسناد ملی سابق در زمینه ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی، و تنظیم روش‌های نگه‌داری و بایگانی، به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، و تغییر و تحولات سازمان مدیریت در سال‌های بعد از ادغام از یک سو، و مغفول ماندن این وظیفه محوله از دیگر سو، در واقع یکی از مأموریت‌های اصلی سازمان اسناد ملی سابق، به تعطیلی کشیده شده و بلا تصدی مانده است.

به‌رغم آنکه هدف اصلی از انتخاب این دو سازمان برای اجرای مفاد ماده یک قانون برنامه سوم، موازی، مشابه و تکراری بودن، وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه بوده، و این موضوع به‌صراحت در قسمت الف از بند ۲ مصوبه ادغام آمده است، مشخص نیست به چه دلیل در قسمت «ب» همان بند بلافاصله قانونگذار از نظر کلی خود در این رابطه برگشته و صرفاً احصاء وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه، موازی و تکراری را به امور پژوهشی دو دستگاه محدود کرده و در بند «ج» قائل به استقلال کامل فعالیت‌های تخصصی هر دو دستگاه ذیل دو معاونت مستقل می‌شود.

این تغییر سیاق قانونگذار، می‌تواند متأثر از عوامل متعددی باشد از جمله: شتاب‌زدگی



مرجع تصمیم‌گیری در اجرای مفاد ماده یک قانون برنامه سوم، موضوع شناسایی دستگاه‌های با وظایف، مأموریت‌ها و واحدهای مشابه از یک‌سو، و عدم جلب‌نظر کارشناسان و مسئولان دو دستگاه در تدوین و تصویب مصوبه ادغام، از دیگر سو. این نظر با مطالعه بررسی تطبیقی ساختار اداری و تشکیلاتی آرشیو و کتابخانه ملی ایران و کانادا، تقویت می‌شود، که دولت کانادا در زمان ادغام ضمن تخصیص بودجه مناسب -تخصیصی بالغ بر هفت میلیون دلار در سال ۲۰۰۲م- برای عملیاتی‌ساختن طرح ادغام آرشیو و کتابخانه کانادا، طی یک فرصت سه‌ساله، سازماندهی تشکیلات جدید را به تیمی متشکل از کارشناسان دو حوزه به‌نام «تیم انتقال» محول می‌کند (شاکری مطلق، ۱۳۹۰، ص ۵۲). اگرچه تصمیم‌بر ادغام این سازمان‌ها در هر دو کشور یک تصمیم فراسازمانی و دستوری بوده است، لکن فرایند ادغام در کشور کانادا چه به لحاظ آماده‌سازی ذهنی افکار عمومی کارکنان هر دو نظام، چه به لحاظ رعایت مباحث پیچیده تخصصی هر دو دستگاه که جلب‌نظر متخصصان این دو حوزه را می‌طلبد، اجرای آن مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در اولین گام برای اجرای مصوبه که همانا تصویب تشکیلات اداری سازمان است، در عین آنکه برابر مصوبه بر اعتبار دو قانون موردعمل در سازمان‌های پیشین تأکید می‌شود، با وجود اختیارات و صلاحیت‌های هیئت‌امنان کتابخانه ملی، بر اساس بندهای الف و ب از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی موضوع تصویب سازمان و تشکیلات اداری، طی قسمت «د» از بند یک مصوبه ادغام، تصویب تشکیلات سازمان، منوط به تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود. تقریباً سه‌سال بعد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی به‌دلیل نامناسب‌دیدن تشکیلات تأییدشده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، با اختیارات حاصله از بندهای الف و ب ماده ۷ اساسنامه کتابخانه ملی، به تهیه تشکیلات اداری مناسب با وضعیت موجود مبادرت کرده، و آن را برابر قانون، به تصویب هیئت‌امنا می‌رساند. لکن در سال‌های اخیر، عدم رعایت حکم مندرج در مصوبه -موضوع لزوم تأیید تشکیلات توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور- سازمان اسناد و کتابخانه ملی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. با این توضیح که، به‌دلیل عدم جلب‌نظر سازمان مدیریت، سازمان، از بسیاری از حقوق خود در زمینه‌های مختلف از جمله حق جذب نیروی رسمی -که برابر قوانین و مقررات عمومی منوط به اصلاح ساختار اداری و تأیید آن توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود- محروم مانده یا در خصوص گسترش مراکز استانی، درحالی‌که توسعه و گسترش مراکز استانی به تصویب هیئت‌امنان سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده (مصوبه شماره ۹۰/۲۳۴۵/ص مورخ ۹۰/۵/۱۰) بنا به دلایل فوق بودجه متناسب با نیازهای سازمان در اختیار قرار نمی‌گیرد و هنوز مراکز استانی اخیرالتأسیس، در تشکیلات مورد تأیید سازمان مدیریت و



برنامه‌ریزی نیست. از این رو به نظر می‌رسد تعارضی بین صلاحیت‌های هیئت‌امنای سازمان در زمینه تصویب تشکیلات اداری از یک سو و ضرورت تأیید آن توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سوی دیگر، موجود است که باید، مورد توجه قرار گیرد. خاصه آنکه، سازمان اسناد و کتابخانه ملی به لحاظ بودجه، نهادی وابسته به بودجه دولت است و به رسمیت نشناختن تشکیلات اداری مصوب هیئت‌امنای آن، توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر انجام تکالیف قانونی‌اش داشته باشد.

ب- مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۵۳۰۲ ادغام مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۴

این مصوبه در خصوص ادغام مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است که شورای عالی اداری در صد و سی و یکمین جلسه خود مورخ (۱۳۸۵/۴/۲۴) بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به استناد بند (۲) بخش (ب) ماده یک قانون برنامه سوم توسعه کشور تنفیذ شده در ماده (۱۵۴) قانون برنامه چهارم توسعه کشور در اجرای تبصره بند (۶) مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورا در زمینه ساماندهی نظام مدیریت اسنادی کشور و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب، این ادغام را به تصویب رساند. ناگفته نماند مفاد مصوبه یادشده کماکان پس از گذشت ده سال به اجرا درنیامده است.

۲- جایگاه نهادی و سازمانی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حال حاضر یکی از دستگاه‌های اجرایی کشور است که به استناد تعریف ارائه شده از مؤسسه دولتی در قانون مدیریت خدمات کشوری، یک مؤسسه دولتی محسوب می‌شود. از این رو نظر به مواد ۵ و ۱۱۷ قانون اخیرالذکر به عنوان یک دستگاه اجرایی، باید تحت شمول همان قانون باشد. البته به واسطه شرایط دیگری که در قوانین پیش‌بینی شده، از شمول عموم برخی از قوانین و مقررات خارج است. در این گفتار، این مبانی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لکن پیش از ورود به بحث و در مقدمه باید گفت یکی از موضوعات جدی در بررسی صلاحیت‌های حقوقی در ابعاد مختلف جامعه، بحث تورم قوانین است که این مهم، در حقوق عمومی به نحو مضاعفی، به جهت تفاوتی که با حوزه حقوق خصوصی دارد، به عنوان چالش مطرح می‌باشد زیرا در حقوق خصوصی اصل بر صلاحیت، و در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است. به هر روی، نظر به تورم قوانین و مقررات در کشور، که عزم جدی در منقح‌سازی مقررات به لحاظ تعیین قوانین ناسخ و منسوخ، موارد مغایر یا لغو و اصلاح را می‌طلبد، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، طی بخشنامه‌های مکرر و مکاتبات متعدد،



ایجاد وضعیت تنقیحی در رابطه با قوانین و مقررات را -به منظور بسترسازی در اجرای قانون دسترسی آزاد به اطلاعات- بر دستگاه‌های اجرایی تابعه قوه مجریه تکلیف کرده است.

به علاوه سازمان بازرسی کل کشور نیز با عنایت به اهمیت بحث، مقارن با این حرکت دولت، به استناد تبصره ماده واحده قانون اصلاح قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور و بند الف تبصره مزبور (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی)، مشمولان قانون یادشده را (یعنی «کلیه دستگاه‌های موضوع مواد ۵ و ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و قوه قضائیه به استثناء مراجع مذکور در تبصره ماده ۲ این قانون»)، به اقدام در زمینه تدوین و تنقیح قوانین مکلف کرده است. با این مقدمه باید گفت سازمان اسناد و کتابخانه ملی هم از این قاعده مستثنی نبوده، به دلیل کثرت قوانین و مقررات مورد عمل، و بعضاً وجود تعارضاتی در مقام اجرا، به عنوان یکی از مخاطبان بخشنامه‌ها و قانون یادشده و تحت نظارت و پیگیری‌های سازمان بازرسی کل کشور از یک سو، و به موازات آن پیگیری‌های معاونت حقوقی ریاست جمهوری از دیگر سو، به اقدام در این زمینه ملزم شده است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی به دلیل ساختار نامتناسب حقوقی و عدم اصلاح تشکیلات اداری‌اش در بخش حقوقی سازمان -مبتنی بر بخشنامه‌های مذکور دائر بر لزوم تأسیس اداره‌ای ذیل اداره کل حقوقی به منظور بررسی قوانین و مقررات و تعیین وضعیت اعتبار آن‌ها- در این مسیر، از عمل به تکالیف قانونی خود باز مانده است. در مجموع یکی از این موارد ضرورت ایجاد وضعیت تنقیحی بر اساس بند ۳ مصوبه شماره ۱۹۰۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری است. درست است که تأکید بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در بند ۳ مصوبه یادشده شورای عالی اداری، در راستای تعیین تکلیف مجریان قوانین مورد عمل دستگاه، در مواجهه با آن دسته از مواد قانونی هر دو سازمان، که به لحاظ مرجع تصویب از اعتبار یکسانی برخوردارند، تا حدودی می‌تواند چاره‌ساز باشد، لکن این کافی به مقصود نبوده، ضروری است بحث منقح‌سازی قوانین و مقررات سازمان، به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و کلیه قوانین و مقررات آن بر اساس ترتیبات مقرر در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های یادشده از لحاظ اعتبار، ناسخ، منسوخ، متروک، مغایر، لغو، نسخ صریح یا ضمنی تعیین تکلیف شوند. از آنجا که صلاحیت‌های قانونی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پس از ادغام به لحاظ قوانین و مقررات متنوع، به نحو چشمگیری گسترش یافته لذا ایجاد وضعیت تنقیحی بر اساس یک حکم روشن اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی تدوین و تنقیح‌های اداری که بر اساس بخشنامه‌های معاونت حقوقی ریاست جمهوری اجرا و در سامانه قوانین و مقررات کشور جای می‌گیرد، از نوع غیراصلاحی بوده و به تعبیر متخصصان، به مثابه «حقوق آن گونه که هست»، می‌باشد و این نوع تنقیح، از آن دسته تنقیح‌هایی است که در زمره تنقیح، گردآوری محسوب می‌شوند، و مقامات



تنقیح‌کننده حق دخل و تصرف در متون قانونی را ندارند (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). همان‌گونه که در توضیحات مربوط به بررسی مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ شورای عالی اداری آمده، در مصوبه یادشده در عین معتبربودن قوانین موردعمل هر دو نهاد، بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی در موارد مغایر تأکید شده است که تشخیص موارد مغایر، کار ساده‌ای نبوده و با توضیحات فوق، به‌نظر می‌رسد در صلاحیت مقامات اجرایی نگنجد چه آنکه همان‌طور که در بالا اشاره شد، براساس اختلاف‌نظر موجود، بین ایجاد وضعیت تنقیحی غیراصلاحی و وضعیت تنقیحی اصلاحی تفاوت است. به‌زعم قائلان به این تفکیک، ایجاد وضعیت تنقیحی اصلاحی در صلاحیت تدوین‌کنندگان قوانین یا به‌عبارتی قانونگذار به‌معنای اخص آن است (ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۹). نتیجه آنکه در صورت امکان‌پذیر نبودن ایجاد وضعیت تنقیحی اصلاحی، از طریق سازوکارهای موجود در قوه مجریه برای اهداف فوق، اصلاح قوانین و مقررات سازمان باید، از طریق مرجع ذی‌صلاح قانونی، یعنی توسط مرجع تصویب آن‌ها که همانا قوه مقننه است، صورت پذیرد.

۲-۱ بررسی مبانی قانونی شخصیت حقوقی بعد از ادغام

بدواً ضروری است با توجه به مجموع قوانین و مقرراتی که در قسمت اول توضیحات آن ارائه شد، به معرفی سازمان در ابعاد حقوقی جدیدش پرداخت. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مؤسسه‌ای پژوهشی، آموزشی (علمی) تحقیقاتی و خدماتی است که ذیل نهاد ریاست‌جمهوری با ردیف بودجه مستقل اداره می‌شود. این سازمان در عنوان اخیر خود، که ناشی از ادغام دو مرکز مستقل می‌باشد، کلیه وظایف و اختیارات مصرح قانونی هر دو مجموعه را داراست و در حالی که بر اساس هر دو قانون تأسیس اسناد ملی ایران و اساسنامه کتابخانه ملی ایران اداره می‌شود، به استناد مفاد مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری، در صورت بروز تعارض بین دو قانون یادشده، به مفاد قانون اساسنامه کتابخانه ملی، عمل خواهد شد.

۲-۱-۱ شخصیت حقوقی مستقل

مستنبط از ماده ۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی و بر اساس بند ۳ از مصوبه شماره ۱۹۰/۱/۱۰۳۳۸۲ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ شورای عالی اداری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران دارای استقلال شخصیت حقوقی است. گرچه زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور اداره و ریاست عالیه آن با شخص رئیس‌جمهور است؛ بااین‌وجود، نهادی غیر وابسته به نهاد ریاست‌جمهوری تلقی شده، لکن می‌تواند راساً موضوع حق و تکلیف واقع شود. نتیجه آنکه رئیس سازمان، به‌عنوان بالاترین مقام، که در رأس سازمان قرار گرفته، راساً پاسخگوی ادعاهای اشخاص



حقیقی و حقوقی است و می‌تواند رأساً علیه اشخاص حقیقی و حقوقی طرح دعوا کند. استقلال حقوقی سازمان را می‌توان از ماده ۸ قانون اساسنامه کتابخانه ملی موضوع وظایف و اختیارات رئیس کتابخانه ملی به‌ویژه بند «ط» آن -موضوع وظیفه نمایندگی کتابخانه ملی در کلیه مراجع اداری و قضایی با حق انتخاب وکیل به‌منظور استیفای حقوق کتابخانه- نیز استنباط کرد.

۲-۱-۲ مؤسسه دولتی و دستگاه اجرایی

قانون مدیریت خدمات کشوری طبق اصل ۸۵ قانون اساسی به‌مدت ۵ سال به‌صورت آزمایشی تصویب و در سال ۱۳۸۶ برای اجرا ابلاغ شد. به‌موجب ماده ۱۲۷ آن، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو شد. قانون استخدام کشوری که تا آن زمان اساس عمل سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی بوده است، در موارد مغایر لغو شده و قانون مدیریت خدمات کشوری جایگزین آن می‌شود. اکنون باید دید این تحول قوانین چه اثر یا آثاری بر موضوع مورد مطالعه داشته است. ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری در تعریفی که از مؤسسه دولتی ارائه می‌دهد، مقرر می‌کند: «مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به‌موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد، انجام می‌دهد». با توجه به موارد پیش‌گفته از جمله عنایت به حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی و در نتیجه استناد به آن در موارد سکوت یا مغایرت دو قانون، و از طرفی نظر داشت این موضوع که مطابق ماده ۲ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، سازمان دارای استقلال حقوقی است و بودجه آن به‌صورت مستقل ذیل بودجه ریاست‌جمهوری از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود، با این تفاسیر می‌توان نتیجه گرفت که سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، بر اساس تعریف ارائه‌شده از مؤسسه در قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز با رعایت حاکمیت اساسنامه کتابخانه ملی، مؤسسه‌ای دولتی است. بر اساس ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه دستگاه‌های اجرایی مشمول احکام مندرج در این قانون بوده و با عنایت به تعریف ارائه‌شده از دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون یادشده، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، به‌عنوان یک مؤسسه دولتی، دستگاه اجرایی محسوب و مشمول مقررات آن می‌باشد. اکنون در تکمیل بحث تعیین وضعیت حقوقی سازمان به‌عنوان یک دستگاه اجرایی، بر حسب برخی از قوانین و مقررات -که توضیح آن در بند بعدی می‌آید- سازمان در حال حاضر، از شمول برخی از قوانین و مقررات عام از جمله، قانون مدیریت خدمات کشوری و مالی محاسباتی در موارد مصرح قانونی و در حدود آیین‌نامه‌های تدوین‌یافته با استفاده از اختیارات هیئت‌امانی سازمان معاف شده است.



۲-۲ حدود و ثغور استقلال و نظام نظارتی حاکم

قریب به ۱۵ سال از ادغام سازمان اسناد ملی و کتابخانه ملی می‌گذرد. در این رهگذر، برخی از قوانین و مقررات کشور نیز دستخوش تغییر شده‌اند، که بخشی از آن‌ها بر صلاحیت‌های دستگاه‌های اجرایی و از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی اثرگذار بوده‌اند و به‌عنوان قانون اثرگذار، اثر مستقیم خود را بر تعیین جایگاه حقوقی دستگاه‌های اجرایی برجای گذاشته‌اند. لذا اقتضا دارد سازمان اسناد و کتابخانه ملی به‌ویژه در ماهیت جدید پس از ادغامش، در پرتو تحولات به‌وجود آمده، مورد‌ارزیابی قرارگیرد. به‌جز قانون مدیریت خدمات کشوری، قوانین برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم از آن جمله است. از این‌رو در زیر اثرات این قوانین بر صلاحیت‌های دستگاه به بحث گذاشته شده و مورد‌ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱ عدم الزام به تمکین از قوانین و مقررات عمومی در حدود مصوبات

و آیین‌نامه‌های داخلی

به استناد بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و تنفیذ مفاد آن در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و از طرفی با رعایت بندهای الف و ب ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، موضوع صلاحیت‌های هیئت‌امنانی سازمان در بحث تدوین آیین‌نامه‌های مالی و اداری و تشکیلاتی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی با تصویب آیین‌نامه مالی معاملات خاص در سال ۱۳۸۶ نخست از شمول قوانین و مقررات عام مالی محاسباتی در حدود تعیین‌شده معاف و سپس با تصویب آیین‌نامه اداری اعضای غیر هیئت‌علمی نیز از رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری به‌همان ترتیب و در چارچوب مصوبات هیئت‌امنانی خود معاف می‌شود. لازم به ذکر آن‌که سازمان مطابق بند ۴ از چهارمین مصوبه هیئت‌امنا (مصوب مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۸) نیز دارای شصت پست هیئت‌علمی است که اعضای یادشده تحت شمول مقررات آیین‌نامه استخدامی دانشگاه تهران هستند.

با این‌وجود، سازمان در عمل به تکالیف قانونی خود و با استناد به صلاحیت‌های پیش‌گفته، با چالش‌هایی مواجه است. از جمله این چالش‌ها، دشواری‌های استفاده از صلاحیت‌های خویش در زمینه اصلاح تشکیلات سازمانی است. به‌طوری‌که به‌نظر می‌رسد، به‌عنوان یک سازمان بودجه‌گیر، باید تشکیلات اداری خود را، با منطق مدنظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعمال کند. لذا آنچه که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مدنظر دارد، جز رعایت چارچوب‌های تعیین‌شده در قانون مدیریت خدمات کشوری -به‌ویژه در خصوص الزام دستگاه‌های اجرایی به رعایت ماده ۲۹ قانون مدیریت خدمات کشوری در تشکیلات اداری خود- نیست.

ناگفته نماند در بررسی‌های به‌عمل‌آمده مشخص شد، در گذشته نیز این مسئله مورد تأیید



هیئت امنای سازمان بوده است به طوری که، هیئت یادشده در اولین مصوبه پس از تأسیس سازمان کتابخانه ملی، تصویب تشکیلات تهیه شده توسط کتابخانه ملی به استناد اختیارات قانونی را، منوط به تأیید سازمان امور اداری و استخدامی کرده است.

۲-۲-۲ چارچوب و راهکارهای نظارتی

همچنان که اشاره شد، یکی از وظایف هیئت امنای کتابخانه ملی، تصویب آیین نامه های مالی معاملاتی، اداری و تشکیلاتی است (بند ب ماده ۷ قانون اساسنامه). از طرفی مستند به ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم و تنفیذ آن در بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم، در حدود مقرر در آیین نامه های مربوط، از رعایت قوانین مالی و محاسباتی عام معاف است. لکن این معافیت، نافی نظارت های مالی دستگاه ها و نهادهای ذی ربط نبوده و کماکان، دیوان محاسبات حسب مقررات، و سازمان بازرسی کل کشور حسب اختیارات قانونی، بر عملکرد مالی دستگاه نظارت کامل دارند. با این وجود این اختیار وجود دارد که، مدیر مالی^۱ دستگاه، با همان اختیارات و وظایف ذی حساب از میان کارمندان رسمی دستگاه انتخاب شود. در این صورت، وی در حکم ذی حساب موضوع ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی و با همان صلاحیت های قانونی مندرج در ماده یادشده عمل کند.

۳- صلاحیت های ملی، فراملی و محلی سازمان

مرور قوانین و مقررات و نگاهی به تشکیلات سازمان اسناد و کتابخانه ملی، حاکی از وجود سه دسته صلاحیت در سه سطح ملی، فراملی و محلی است. نکته قابل توجه آنکه صلاحیت های محلی هیچ یک از این دو بخش، در قوانین آن، یعنی قانون تأسیس سازمان اسناد ملی و قانون اساسنامه کتابخانه ملی پیش بینی نشده لکن در طول زمان و بر حسب احساس نیاز بدو در بخش اسناد، از یک مقطع زمانی به بعد، برخی صلاحیت های محلی با تأسیس شعباتی از اسناد ملی در چند منطقه اصلی کشور شکل گرفت و پس از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی، در پرتو این ادغام و بنا بر سیاست های مسئولان وقت، بخش کتابخانه ملی نیز فعالیت هایی را در سطح استان های راه اندازی شده، آغاز کرد. در خصوص صلاحیت های فراملی نیز باید گفت، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نظیر سایر سازمان های فرهنگی در سطح جهان، در تبادل اطلاعات و مشارکت در فعالیت های فرهنگی فراملی عضویت دارد. این عضویت ها، فی نفسه، صلاحیت خاصی را ایجاد نمی کند لکن سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در برخی موارد، متولی این فعالیت های بین المللی است که در جای خود توضیحات آن ارائه خواهد شد.

۳-۱ صلاحیت های ملی

مهم ترین ویژگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ویژگی ملی بودن آن است. چه در بخش

۱. مستند موضوع ماده ۴۹ آیین نامه مالی معاملاتی مصوب هیئت امنای ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ سازمان اسناد و کتابخانه ملی است، که پیوست است.



اسناد ملی که نامش پیش از ادغام با کتابخانه ملی «سازمان اسناد ملی ایران» بود، چه در خصوص کتابخانه، که بدو تأسیس «کتابخانه ملی» نام‌گذاری شد. این واژه خصوصیتی به این نهاد می‌دهد، که آن را از سایر نهادهای مشابه و با وظایف موازی، متمایز می‌سازد. آن‌چنان‌که به‌عنوان یگانه متولی این عرصه، به‌ویژه در وظایف حاکمیتی خویش، همتایی ندارد. واژه ملی در خصوص این سازمان، واجد دو بُعدی است، ملی در برابر هم‌تایان خارجی نظیر کتابخانه‌های ملی و آرشیوهای ملی سایر کشورها و ملی در مقابل محلی که البته تأکیدی بر حاکمیتی بودن وظایف و کارکردهای آن و ناشی از نقش راهبری آن در هدایت سایر نهادهای موازی یا نهادهای متصدی امور مشابه است.

صرف‌نظر از مناقشاتی که در خصوص این واژه مطرح است - که بحث راجع به آن، مجال دیگری را می‌طلبد - تعابیر مختلفی است که از این واژه وجود دارد. واژه ملی^۱ در مفهوم واحدی، دست‌کم در کشور ما ندارد و در عرصه‌های مختلف تعابیر متفاوتی از آن می‌شود. برای مثال: ملی‌کردن در فرهنگ معین به دولتی‌شدن تعبیر شده است حال آنکه در همان زمان دانشگاه ملی در مقابل دانشگاه‌های دولتی قرار داشت. این مسئله در خصوص کتابخانه ملی نیز مصداق دارد. همان‌گونه که در فصول پیشین اشاره شد، در ایران، پیش از تأسیس کتابخانه ملی ایران ما شاهد عناوین مشابه در سایر شهرها بوده‌ایم. مثل کتابخانه ملی رشت، یا کتابخانه ملی تبریز، که دارای ماهیت خصوصی بوده و با وجود تفاوت اساسی در ماهیت حقوقی کتابخانه‌های ملی، به یک نام خوانده می‌شدند.

این مقدمه از آن جهت بیان شد که مشخص شود صرف‌نظر از عنوان، اساساً ماهیت حقوقی و اهداف و وظایف مقرر در اساسنامه، می‌تواند بهترین راهنما در شناخت وضعیت حقوقی یک مؤسسه باشد، از طرفی دست‌کم در ایران کمتر کسی با نقش و کارکرد کتابخانه ملی آشناست و چندان تفاوتی مابین آن و کتابخانه‌های عمومی که صرفاً کارکرد خدماتی در عرصه ارائه خدمات کتابخانه‌ای به اشخاص حقیقی دارند، قائل نیستند.

نمایندگان ملت در بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی بر این باور بوده‌اند، که کارکرد کتابخانه ملی در مقابل سایر کتابخانه‌ها منحصر به فرد است و اهدافش، اساساً آن را از ورود به عرصه امور اجرایی که سایر کتابخانه‌ها به آن می‌پردازند، منع می‌کند. به این ترتیب، با تأکید بر استقرار آن در شهر تهران درصددند تا به کتابخانه ملی نقش راهبری و هدایت‌گرانه در عرصه امور کتابخانه‌ای داده و آن را از ورود به عرصه‌های اجرایی که سایر کتابخانه‌ها مبتلای آن هستند، باز بدارند.

به‌عبارت دیگر، قانونگذار بر این باور بوده است که نقش کتابخانه ملی، صرفاً هدایت سایر مراکز اطلاع‌رسانی از جمله کتابخانه‌ها، از طریق تهیه و تولید اسنادها، جمع‌آوری و

1. National



متمم‌گز ساختن کلیه آثار مکتوب و غیرمکتوب، به‌عنوان گنجینه فرهنگی کشور و نیز اشاعه اطلاعات از طریق تولید و عرضه کتاب‌شناسی ملی است. نظر به اینکه کلیه امور یادشده، بسیار هزینه‌بر و گزاف است و علی‌رغم نیاز تمام کتابخانه‌ها به این موضوعات، غالباً آن‌ها، ناتوان در انجام آن هستند، از این‌رو دولت موظف است، نسبت به این امور، اهتمام لازم را داشته باشد که البته این منظور با تخصیص بودجه مناسب از طریق کتابخانه ملی تأمین می‌شود.

در بخش اسناد ملی نیز خواهیم دید که، قانونگذار در وهله نخست، اسناد دولتی را مدنظر دارد و در تعقیب دو هدف است: بدواً به‌منظور صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری، از طریق متمم‌گز کردن اسناد دولتی در سازمانی واحد، بدین‌وسیله مقرر داشته آن‌ها به‌صورت یک‌جا جمع‌آوری شده تا فضاهای اداری دستگاه‌های اجرایی آزاد شود، سپس با ارزشیابی اسناد جمع‌آوری شده، اسناد واجد ارزش ثانویه که شورای اسناد ملی به‌عنوان اسناد ملی شناسایی کرده، برای دسترسی عموم، حفظ و نگهداری شوند. ناگفته نماند که صلاحیت‌های قانونی ذکرشده برای سازمان، هم ایجاد حق و هم ایجاد تکلیف می‌کند. حق، از آن جهت که سازمان حق دارد اسنادی را که چهل‌سال از عمر مفید آن‌ها گذشته است، از دستگاه‌های مشمول قانون مطالبه کند و تکلیف، از آن لحاظ که دستگاه مشمول نیز، متقابلاً می‌تواند تحویل و تعیین تکلیف اسنادی را که چهل‌سال از عمر تولید آن‌ها گذشته است را از سازمان بخواهد.

۳-۱-۱ اسناد ملی

اکنون برای آشنایی بیشتر با صلاحیت‌های اختصاصی بخش اسناد ملی، که هم‌اکنون مجموعه فعالیت‌های مربوط به این حوزه، در قالب معاونت اسناد ملی در مجموعه تشکیلات سازمان قرار گرفته است، ناگزیر از تبیین اهداف و وظایف قانونی آن هستیم. برای این منظور، ماده یک قانون تأسیس اسناد ملی، که در واقع علاوه بر اهداف طریق اجرای آن را نیز بیان می‌دارد، مرور می‌کنیم. ماده یک قانون تأسیس اسناد ملی ایران که ناظر بر اهداف آن است چنین مقرر می‌کند:

به‌منظور جمع‌آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم‌آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری و استخدامی از طریق تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و امحا اوراق زائد، سازمانی به‌نام سازمان اسناد ملی ایران وابسته به امور اداری و استخدامی کشور تأسیس می‌گردد.

تبصره: اسناد مذکور در این ماده شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکروفیلم‌ها، نوارهای ضبط‌صوت و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه‌شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به‌طور مداوم یا غیرمداوم در



تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشد.

همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، این ماده در واقع، ناظر بر دستگاه‌های دولتی است. اگرچه مقصود حفظ اسناد ملی است، اما این مقصود، صرفاً از طریق تمرکز اسناد موجود یا وارده به دولت - که پیش‌تر اداری بوده‌اند اما بعدها واجد ارزش ملی یا تاریخی شده‌اند - تأمین می‌شود و هیچ الزام و تکلیفی خارج از آن، برای اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ایجاد نمی‌کند و برای حفظ و نگهداری اسناد واجد ارزش ملی که خارج از مصادیق مذکور در این ماده هستند، تمهیدی اندیشیده نشده است.

یکی دیگر از چالش‌های سازمان، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، بحث تفکیک قوا و محدود شدن واژه «دولت» مذکور در این ماده، به یک قوه بوده است. از طرفی، وجود اسناد بی‌شماری که به هر ترتیبی به‌دست مردم رسیده و عدم وجود ضمانت اجرایی کافی در انتقال آن به سازمان، برای حفظ و نگهداری اسنادی که غالباً در شرایط بد فیزیکی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند^۱، یا بعضاً ایجاد واحدهای موازی در سایر دستگاه‌ها برای حفظ اسناد در دستگاه‌های متبوع و عدم انتقال به سازمان اسناد ملی، علی‌رغم صراحت لفظ قانون، حتی تدوین مقررات و آیین‌نامه‌های نحوه امحای اوراق زائد، که از صلاحیت‌های اختصاصی شورای اسناد ملی است، و خلاصه مواجهه با دستگاه‌هایی که به عناوین مختلف، از تمکین به مقررات این قانون به‌دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی کافی قانونی سرباز می‌زنند، از دیگر چالش‌های حقوقی سازمان است^۲.

گذشته از موارد یادشده، با وجود صراحت لفظ قانون تأسیس اسناد ملی در حفظ اسناد ملی، به‌ویژه اسنادی که بعد از، از دست دادن ارزش اولیه خود - به‌عنوان اسناد جاری - با انجام ارزشیابی، واجد ارزش‌های ثانویه‌ای نظیر ارزش تاریخی، ملی، فنی، حقوقی و غیره می‌شوند، طی قوانین برنامه پنج‌ساله نظیر ماده ۱۳۱ از قانون برنامه چهارم توسعه^۳، حفظ و نگهداری سوابق برخی از اوراق و پرونده‌های قضایی که توسط قوه قضائیه ضروری تشخیص داده می‌شود، از طریق تهیه نسخه رقمی و انتقال فیزیکی برخی از آن‌ها که واجد ارزش تاریخی است به سازمان اسناد و کتابخانه ملی، از طریق تدوین آیین‌نامه مشترک با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دادستان کل کشور و تأیید رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی شده است. این ماده در حالی تصویب شد که سال‌ها پیش از تدوین ماده یاد شده، سازمان اسناد ملی طبق وظایف قانونی خود، نسبت به شناسایی و تشخیص اوراق و پرونده‌های قضایی قوه قضائیه اقدام می‌کرد و پرونده‌های قضایی را به سازمان اسناد ملی، جهت اقدامات بعدی منتقل می‌کرد.

۱. متأسفانه علی‌رغم جستجوی زیاد، توفیق دستیابی به مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی در بررسی لایحه قانونی تأسیس اسناد ملی، حاصل نشد. شاید از این طریق دامنه شمول قانون شایسته‌تر مورد ارزیابی قرار می‌گرفت.

۲. باوجودی که شورای اسناد ملی یگانه متولی تشخیص اسناد ملی و اوراق زائد و قابل‌امحا در کشور می‌باشد اسنادی در دست است که نشان می‌دهد برخی از دستگاه‌ها بی‌توجه به این مهم اقدام به تدوین مقرراتی در این زمینه کرده‌اند.

۳. ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود: الف- براساس آیین‌نامه‌ای توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آن‌ها ضروری است را با استفاده از فناوری‌های اطلاعات روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحای آن‌ها اقدام کند مشروط بر آن که حداقل سی‌سال از مدت بایگانی قطعی آن‌ها گذشته باشد ...



که این امر، می‌تواند قرینه‌ای بر عام‌الشمول بودن قوانین اسناد ملی بر قوای حاکمه باشد. به‌علاوه حضور دادستان کل کشور^۱ در ترکیب شورای اسناد ملی، به‌منظور تشخیص ارزش اسناد از جنبه قضائی، تأیید دیگری بر این موضوع می‌تواند قلمداد شود. با این تفاسیر، ضرورت تدوین ماده ۱۳۱ در قانون برنامه چهارم و تنفیذ آن در قانون برنامه پنجم (بند ۳ از قسمت ح ماده ۲۱۱) مشخص نیست که از چه روست.

به‌هرحال، صرف‌نظر از نیت قانونگذار از بازتعریف صلاحیت‌های شورای اسناد ملی در قوانین برنامه‌ای -نظیر ماده ۱۳۱ قانون برنامه سوم توسعه در خصوص نحوه امحای اوراق و پرونده‌های قضایی که قبلاً اشاره شد- به‌نظر می‌رسد صلاحیت‌های قانون تأسیس اسناد ملی ایران، صلاحیت‌های عامی است، که واگذاری ضمنی برخی از این صلاحیت‌ها، به سایر نهادها در قوانین مؤخر، نافی صلاحیت‌های عام سازمان نبوده و این مسئله نمی‌تواند مستمسکی برای عدم تمکین به مقررات و احکام قانونی آن به‌طور کلی تلقی شود.

به‌عبارت‌دیگر، سایر دستگاه‌ها نمی‌توانند به حکم قوانین مؤخری که بخشی از وظایف مربوط به اسناد ملی را به آن‌ها یا سایر نهادها واگذار کرده است کلاً خود را خارج از شمول مقررات عام آن بدانند. در این زمینه به چالش حقوقی با بانک مرکزی در رابطه با مقررات نحوه امحای اوراق زائد اشاره می‌شود.

مقدمتاً لازم به ذکر است که یکی از اهداف قانون تأسیس اسناد ملی به‌جز صرفه‌جویی در هزینه‌های اداری از طریق تمرکز پرونده‌های راکد و وزارتخانه‌ها، تشخیص ارزش‌های ثانویه این اوراق جهت نگهداری دائمی و در دسترس عموم قرار دادن آن‌هاست. بنابراین اگر به هر دلیلی بخشی از صلاحیت‌های عام قانون تأسیس اسناد ملی، طی قوانین و مقررات در خصوص بخشی از جامعه هدف تخصیص بخورد، صرفاً در همان محدوده، نهاد مذکور می‌تواند صلاحیت‌های خویش را در انجام همان موضوع، اعمال کند و با توجه به اصول مسلم حقوقی، در خصوص صلاحیت‌های اشخاص حقوق عمومی، اقدام در سایر صلاحیت‌های مورد مناقشه، نیازمند تصریح قانونی است لکن در موارد عدم تصریح، به‌نظر می‌رسد می‌باید به حکم عام قانون مقدم عمل شود.

معاونت اسناد ملی ایران در انجام وظایف قانونی خویش با عدم همکاری بانک مرکزی مواجه می‌شود. لکن بانک مرکزی به استناد بند «د» ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱۲ خود را از شمول کلیه قوانین و مقررات عام ناظر بر مؤسسات و وزارتخانه‌ها خارج می‌داند و نظر به اینکه قانون تأسیس اسناد ملی مقدم بر قانون یاد شده می‌باشد، با این استدلال، خود را ملزم به رعایت آن نمی‌داند و به همین استناد، به تدوین آیین‌نامه مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی، اسناد و دفاتر بانک‌ها، مبادرت کرده است. این در حالی است

۱. ماده ۴ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب سال ۱۳۴۹.



که شورای اسناد ملی ایران به عنوان یگانه نهاد متولی تشخیص و تعیین اسناد ملی یا امحای اوراق زائد دولتی، با ترکیب عضوی مشخص، از طریق سازوکار مندرج در آیین نامه های مربوط به تعیین مدت عمر اسناد بوده و تشخیص اسناد ملی، از لایه لای اسناد منتقله یا از طریق ارزشیابی بر اساس مفاد مقررات تدوین یافته توسط همین شورا، از صلاحیت های ویژه آن است. که این بخش از صلاحیت ها، با عملکرد نهاد یادشده، مخدوش شده است. کما اینکه در استدلالات حقوقی، بانک مرکزی اسناد مورد مناقشه را علی الاصول فاقد ارزش آرشیوی پنداشته است. در حالی که این تشخیص، منحصرأ جزو صلاحیت های ذاتی شورای اسناد ملی است.

همین گونه سایر نهادهای بخش عمومی حتی دولتی که به بهانه هایی از این دست، از تمکین به مقررات آن سرباز می زنند. نظیر شرکت ایران خودرو که پس از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوصی سازی شرکت های دولتی با کاهش سهام دولتی از وصف دولتی خارج شده و با تمسک به این دست تفاسیر حاضر به همکاری با سازمان نیستند در حالی که قطعاً بسیاری از این مؤسسات، واجد اسناد با ارزش بالای آرشیوی هستند که می توانند محل مراجعه عموم باشند. عنایت به موارد مذکور ضرورت بازنگری قوانین در تعیین دامنه شمول آن را اجتناب ناپذیر می کند زیرا صدور بخشنامه هایی در این زمینه از بدو تأسیس سازمان اسناد ملی تاکنون، چندان کارساز نبوده و به دلیل عدم وجود ضمانت اجرای کافی بلااثر مانده اند. حتی رئیس قوه مقننه^۱ باوری براین قانون نداشته و طی مکاتبه با بخش اسناد ملی سازمان، خواستار استرداد آن بخش از اسنادش شده که قبلاً از طریق اجرای مفاد قانون تأسیس اسناد ملی به این سازمان واگذار شده است و به نظر می رسد این موضوع را با تفسیرش از واژه «دولت» مذکور در ماده یک قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، توجیه کرده باشد. حال آنکه توجه به فلسفه ایجاد چنین سازمانی و اهداف مقرر در آن، کاملاً با این طرز عمل سایر قوا در مغایرت است. کما اینکه بنا به ماده ۸ قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، صرفاً وزارت جنگ از شمول مقررات این قانون خارج است.

از طرفی، نظر به ترکیب اعضای شورای اسناد ملی و حضور اعضای فراقوه ای نظیر دادستان کل کشور یا دادستان دیوان محاسبات، می تواند به جهاتی تقویت کننده و مؤید این نظر باشد که مقصود از دولت مذکور در ماده یک این قانون، در واقع، دولت در مفهوم «حاکمیت» بوده و همچنین توجه به اولین مصوبه شورای مذکور (۱۳۵۰/۰۳/۱۰) و مباحث مطروحه در زمینه تسری دامنه شمول قانون به اسناد ملی در دست مردم و نگرانی اعضای شورا از عدم تصریح قانون در این خصوص، حاوی این پیام است که قدر متیقن آن است که نظر مؤسسان سازمان و قانونگذار، بر عام الشمول بودن مقررات بر دستگاه های حاکمیتی

۱. متن مکاتبه به پیوست است.



بوده است. ناگفته نماند بخشنامه‌های متعددی در زمینه الزام دستگاه‌ها به تمکین از قوانین و مقررات سازمان اسناد ملی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد، به‌دلیل نداشتن ضمانت اجرایی، کافی به مقصود نبوده‌اند (معاونت اسناد ملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

۳-۱-۲ کتابخانه ملی

در حال حاضر صلاحیت‌های کتابخانه ملی، تحت معاونتی با همین نام اعمال می‌شود. لکن برای مرور آن، ضروری است قانون اساسنامه کتابخانه ملی بررسی شود تا وظایف و کارکردهای بخش کتابخانه ملی احصاء شود. آنچه که در مورد صلاحیت‌های بخش معاونت کتابخانه ملی حائز اهمیت است، مصوبات هیئت‌امناست. زیرا بسیاری از اقدامات و فعالیت‌های کتابخانه ملی علاوه بر قانون، ناشی از تصمیمات و مصوبات هیئت مذکور بوده است. لذا در بررسی صلاحیت‌ها، ناگزیر از مراجعه به برخی از این مصوبات هستیم. اگرچه پس از ادغام، صلاحیت هیئت یادشده فراگیر شده و این نهاد می‌تواند برای بخش اسناد ملی نیز تصمیم‌گیری کند. لکن در اینجا مقصود آن قسم از صلاحیت‌هایی است که، پیش از ادغام با سازمان اسناد ملی، از طریق مصوبات هیئت‌امنا شکل گرفته است. نیز تفاهم‌نامه‌هایی که بین کتابخانه ملی و سایر نهادها منعقد شده و طی آن صلاحیت‌های کتابخانه ملی گسترش یافته است.

مطابق ماده ۳ قانون کتابخانه ملی، از صلاحیت‌های این نهاد، گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب در ایران یا متعلق به ایرانیان خارج از کشور و یا پیرامون ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، خصوصاً انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، و نیز آثار مکتوب و غیرمکتوب علمی، فرهنگی و فنی از کشورهای دیگر است. همچنین پژوهش و برنامه‌ریزی علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی، مشاوره، نظارت، هدایت، ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازماندهی کتابخانه‌های کشور و ارائه روش‌های مطلوب به‌منظور هماهنگ‌کردن خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی و تخصصی برای تسهیل مبادله اطلاعات از دیگر وظایف آن است. این وظایف که تحت‌عنوان «اهداف» و در هفت بند ذیل ماده ۳ قانون اساسنامه کتابخانه ملی تدوین یافته تقریباً مشتمل بر تمام وظایفی است که اغلب کتابخانه‌های ملی دنیا به آن می‌پردازند.

همان‌گونه که در صدر مطالب اشاره شده برخی از صلاحیت‌ها نیز ناشی از مصوبات هیئت‌امنا یا تفاهم‌نامه‌هایی است که در حدود صلاحیت طرفین آن بین کتابخانه ملی و سایر نهادها تنظیم یافته و وظایف جدیدی را به سازمان محول کرده است. از آن جمله وظیفه فراهم‌آوری و حفظ و نگهداری همه نسخه‌هایی است که توسط انتشارات کشور تولید و منتشر می‌شوند که تقریباً تمام کتابخانه‌های ملی دنیا در حکم یک «کتابخانه واسپاری» به این امر مبادرت می‌ورزند و کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و این همان چیزی است که



تحت عنوان قانون واسپاری جزو صلاحیت‌های فعلی کتابخانه ملی شناخته شده است. البته این صلاحیت به طور مستقیم به کتابخانه ملی واگذار نشده است، بدواً طی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان کامل «الزام ناشران به تحویل تعدادی نسخ رایگان انتشارات جهت وزارت فرهنگ» (مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵)، این موضوع در صلاحیت وزارتخانه یادشده قرار گرفت، سپس این وظیفه به کتابخانه ملی محول شد. در بررسی‌های به عمل آمده پس از جست‌وجوی بسیار، سندی دال بر نحوه واگذاری این صلاحیت یافت نشد، لکن طی تحقیقاتی که به عمل آمد، به نظر می‌رسد این فعالیت با ادغام سازمان مدارک فرهنگی در کتابخانه ملی شکل گرفته است، از آنجا که سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی از سازمان‌های تابعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، سازمان اخیرالذکر مجری واسپاری بوده است که با ادغام در کتابخانه ملی عین این وظیفه به کتابخانه ملی محول می‌شود.

یکی دیگر از صلاحیت‌های سازمان به‌ویژه در راستای حفظ و صیانت از کتب و آثار خطی نادر به موجب بند «ط» از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، تهیه آمار کتب خطی و نادر موجود در ایران است که بحث‌های زیادی در خصوص سازوکار اجرایی این بند در مجلس در زمان بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی مطرح می‌شود که در نهایت این بند به تصویب می‌رسد، لکن سازوکار آن در اولین جلسه هیئت‌امنای سازمان به ترتیب ذیل پیش‌بینی شده است:

در اولین جلسه هیئت‌امنای کتابخانه مورخ ۶۹/۱۲/۱۶ مطابق بند الف از مصوبه ۲ در راستای سیاست‌گذاری و خط‌مشی سازمان در گردآوری کلیه آثار مکتوب چاپی و خطی به‌ویژه در اجرای بند «ط» ماده ۷ اساسنامه و عطف به نظریه شماره ۶۹/۷۱۱/۶۹ م مورخ ۶۹/۲/۲۶ قوه قضائیه مبنی بر میراث ملی شناخته‌شدن نسخ خطی در حیطه مالکیت اشخاص حقیقی و منع هر نوع معامله، جابه‌جایی، تغییر و تصرف در آن بدون جلب موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف شدند، اظهارنامه نسخ خطی تحت تملک خود را، به صورت یک دوره ریزفیلم کامل از تمام صفحات و جلد کتاب، به کتابخانه ملی داده و شماره ثبت و پروانه مخصوص دریافت کنند. هرگونه تغییر و جابه‌جایی در مالکیت نسخ یادشده منوط به تهیه آیین‌نامه اجرایی این بند می‌شود. علی‌رغم جست‌وجوی فراوان توفیقی در دستیابی به مستندات این موضوع حاصل نشد و اینکه آیا تاکنون به آن عمل شده است یا نه نیز، اطلاعاتی واصل نشد.

۱-۲ صلاحیت‌های فراملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حال حاضر عضو مجامع بین‌المللی متعددی در حوزه

علوم کتابداری و آرشیوی است که عمر عضویت در برخی از این مجامع، به سال‌های پیش از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی می‌رسد و برخی دیگر نیز مربوط به سال‌های اخیر، یعنی سال‌های پس از ادغام این دو نهاد است. از این‌رو علاوه بر تفکیک بخش اسناد و کتابخانه در زمینه معرفی سازمان‌های مربوط به هر حوزه، عنوانی نیز تحت‌نام «سایر صلاحیت‌های فراملی» به این بند افزوده می‌شود. البته تصویب شرکت نمایندگان سازمان در جلسات، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها و یا همکاری‌های بین‌المللی و بین‌دولتی و منطقه‌ای بر اساس بند «ه» از ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی از صلاحیت‌های هیئت‌امناست. این نهادها که اختصاصاً مربوط به این سازمان است، به شرح ذیل هستند:

۳-۲-۱ اسناد ملی

الف- شورای جهانی آرشیو ایکا^۱

این شورا در ماه می ۱۹۴۸، به‌منظور تأسیس سازمانی جهانی برای متخصصان آرشیو به‌وجود آمد. نخستین کنگره آن در پاریس در سال ۱۹۵۰ برگزار شد. هدف از ایجاد ایکا، بهبود استانداردهای جهانی مدیریت آرشیو و پیشبرد نظریه‌های آن است. شورا، به برقراری ارتباط حرفه‌ای میان مؤسسات و سازمان‌های آرشیوی به‌منظور تبادل اندیشه‌ها و اطلاعات، حل مشکلات آرشیوی، اطمینان از حفاظت مادی میراث آرشیو بشر و حمایت از توسعه آرشیو و آموزش آن کمک می‌کند. آن‌گونه که از انتشارات و گردهمایی‌ها برمی‌آید، مباحث و مسائل مطرح در مجامع بین‌المللی آرشیو عبارتند از: (۱) سازماندهی محتوایی اسناد، (۲) حفاظت، (۳) تکثیر در ابعاد ریز، (۴) دستیابی به آرشیوها، (۵) پیشرفت‌های فناوریانه در ایجاد، کنترل و حفاظت آرشیوها. برنامه‌های شورا که از اهداف آن نشأت می‌گیرند، توسط کنگره‌ها، بخش‌ها، شعبه‌های منطقه‌ای، کمیته‌های دائمی و موقتی، گروه‌های کاری و دبیرخانه ایکا اجرا می‌شود. اعضای ایکا عبارتند از: سازمان‌های آرشیو بخش عمومی در سطوح بین‌المللی، ملی، و فراملی (گروه A)، انجمن‌های حرفه‌ای (گروه B)، مؤسسات ایالتی، محلی و خصوصی (گروه C)، افراد (گروه D) و عضوهای افتخاری (گروه E). بر این اساس، گردانندگان ایکا مجمع عمومی، کمیته اجرایی و دفتر شورا هستند. مجمع عمومی برای هدایت فعالیت‌های کاری شورا، انتخاب مسئولان، صدور قطعنامه‌ها و ارائه توصیه‌نامه در باب منافع حرفه‌ای جامعه جهانی آرشیودارها، هر چهار سال یک‌بار در خلال کنگره‌های بین‌المللی آرشیوها تشکیل می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

ب- شورای جهانی آرشیو شعبه جنوب و غرب آسیا (سواریکا)^۲

بر اساس ماده ۱۰ اساسنامه شورای جهانی آرشیو (ایکا)، کشورهای غیراروپایی در یک منطقه جغرافیایی با فرهنگ مشترک یا مشابه مجازند، دارای شعبه‌های منطقه‌ای آرشیو باشند.

1. International Council on Archives (ICA)

2. South and West Asian Regional Branch of the International Council on Archives (SWARBICA)



بدین ترتیب، شعبه منطقه‌ای شورای جهانی آرشیو در جنوب و غرب آسیا متشکل از کشورهای هند، پاکستان، ایران، نپال، بنگلادش، سری‌لانکا و مالدیو به‌وجود آمد. هدف از تشکیل این شعبه برقراری و استحکام رابطه بین آرشیوهای کشورهای عضو، اقدام برای بهبود وضعیت حفظ و نگهداری مجموعه‌های اسناد و میراث آرشیوی و توسعه مدیریت اسناد و آرشیو در منطقه، با توجه به اهداف کلی شورای جهانی آرشیو است. عضویت در سواریکا منحصر به کشورهای «جنوب و غرب آسیا» است. اعضای رسمی، یعنی رؤسا یا مدیران آرشیوهای کشورهای عضو، رؤسای مؤسسات آرشیوی که با اسناد سر و کار دارند، اعضای مستقل، آرشیوهای حرفه‌ای و کارشناسان علوم آرشیوی و اعضای افتخاری که به نحوی خدمت برجسته‌ای در زمینه آرشیو انجام داده‌اند، می‌توانند به عضویت سواریکا درآیند ولی در رأی‌گیری‌ها، فقط «رؤسای آرشیوهای ملی» حق رأی دارند (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۳۱-۳۵).

۳-۲-۲ کتابخانه ملی

الف- فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)^۱

ایفلا، فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)، ارگانی مستقل، غیردولتی، بین‌المللی و غیرانتفاعی است. هدف ایفلا ارتقاء تفاهم بین‌المللی، همکاری، گفت‌و شنود، پژوهش و توسعه در همه زمینه‌های کتابداری از جمله کتاب‌شناسی، خدمات اطلاع‌رسانی، و آموزش کارکنان و ایجاد تشکیلاتی است که از طریق آن بتوان جنبه‌های بین‌المللی کتابداری را ارائه کرد. در جهت دستیابی به این اهداف، فدراسیون در مورد فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که مناسب و مطلوب تشخیص داده شود تصمیم‌گیری می‌کند. این فعالیت‌ها عبارتند از: حمایت و هماهنگ کردن مطالعات و پژوهش‌ها، گردآوری، بررسی، انتشار و اشاعه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های کتابداری، تهیه کتاب‌شناسی اطلاعات و آموزش، سازماندهی و برگزاری همایش‌های تخصصی، همکاری با مؤسسات بین‌المللی در زمینه اطلاع‌رسانی، سندپردازی و آرشیوداری و ایجاد دفاتری برای انجام وظایف مشخص، در عنوان ایفلا علاوه بر واژه انجمن‌ها، واژه مؤسسات نیز حضور دارد که شامل کتابخانه‌ها، مدارس کتابداری و مؤسسات کتاب‌شناختی است. زبان رسمی ایفلا، انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی و اسپانیولی است. در همایش‌ها و جلسات عمومی متن سخنرانی به یکی از این زبان‌ها ایراد می‌شود و ترجمه هم‌زمان آن به زبان‌های دیگر انجام می‌گیرد.

فکر ایجاد سازمانی بین‌المللی در حوزه کتابداری در سال ۱۹۲۶، در همایشی مطرح شد که به مناسبت سالگرد انجمن کتابداران امریکا در آتلانتا و فیلادلفیا برگزار گردید. اساسنامه ایفلا در نخستین کنگره جهانی کتابداری و کتاب‌شناسی در رم در سال ۱۹۲۹ تهیه شد. در ابتدا ایفلا عمدتاً محل دیدار کتابداران مهم اروپایی و آمریکایی بود و تا مدت‌ها نیز همین وضع

1. International Federation of Library Associations and Institutions (IFLA)



ادامه داشت. نخستین اجلاس ایفلا پس از جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۷ در اسلو با کمک مالی بنیاد راکفلر و با حضور ۵۲ نماینده از ۱۸ کشور برگزار شد که مهم‌ترین دستاورد آن امضای توافقنامه همکاری میان ایفلا و یونسکو و نیز پذیرفته‌شدن ساختار بین‌المللی فهرست برگه‌ها بود. مقر اصلی ایفلا کتابخانه سلطنتی در شهر لاهه است. ایفلا دارای هشت شاخه اصلی به شرح زیر است:

- شاخه کتابخانه‌های پژوهشی عمومی اعم از ملی، دانشگاهی و پارلمانی؛
 - شاخه کتابخانه‌های تخصصی؛
 - شاخه کتابخانه‌های عمومی که بخش‌های کتابخانه‌های نابینایان، کودکان، آموزشگاهی و سیار در آن قرار می‌گیرند؛
 - شاخه کنترل کتاب‌شناختی اعم از کتاب‌شناسی، فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی؛
 - شاخه مجموعه‌سازی و خدمات عمومی؛
 - شاخه مدیریت و فناوری اطلاعات؛
 - شاخه آموزش و پرورش؛
 - شاخه فعالیت‌های منطقه‌ای.
- زبان رسمی ایفلا، انگلیسی، فرانسوی، روسی، آلمانی و اسپانیولی است. در همایش‌ها و جلسات عمومی متن سخنرانی به یکی از این زبان‌ها ایراد می‌شود و ترجمه هم زمان آن به زبان‌های دیگر انجام می‌گیرد (نشاط، ۱۳۸۵).

ب- کنگره کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی مسلمان (کاملیس)^۱

کاملیس همان‌گونه که از نام آن پیداست، یک مجمع بین‌المللی کتابداری و اطلاع‌رسانی ویژه کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلمان است که قصد دارد هرچند سال یک‌بار متخصصان اسلامی این دو رشته را از کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای مسلمان فراخوانده و در یک محل برای بحث و بررسی مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی خود گرد هم آورد. این سازمان بین‌المللی هر چند از نظر نام با فدراسیون بین‌المللی انجمن‌ها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) و فدراسیون بین‌المللی اطلاع‌رسانی و اسناد (فید) مشترکاتی دارد ولی از نظر سابقه و استحکام هنوز در آغاز راه است و در محدوده کوچک‌تری در مقایسه با آن دو فدراسیون عمل کرده و شدیداً به تقویت و مساعدت نیاز دارد. سابقه تشکیل این سازمان به شهریورماه ۱۳۶۱، سپتامبر ۱۹۸۲ باز می‌گردد. در این زمان اولین اجلاس بین‌المللی کاملیس با پشتیبانی انجمن دانشمندان مسلمان علوم اجتماعی، مؤسسه اندیشه اسلامی در واشنگتن و دیگر سازمان‌های اسلامی توسط تعدادی از دانشجویان مسلمان کتابداری و با حضور تعدادی شرکت‌کننده از

1. International Congress
of Muslim Librarians &
Information Scientists
(Comlice)



کشورهای جهان در ایالت ایندیانا در ایالات متحده امریکا تشکیل شد. از اهداف کاملیس که در اجلاس دوم و سوم اعلام شد، موارد ذیل را می‌توان نام برد:

- تحقیق و بررسی در وضع موجود خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی و چگونگی دستیابی به اطلاعات برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فنی این کشورها؛
- راه‌اندازی طرحهای عملی و برنامه‌های مناسب برای تحول مدیریت منابع اطلاعات و مفیدتر کردن این منابع در جهت فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین منطقه‌ای در جهان اسلام؛

- برپایی کنگره کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی مسلمان به‌عنوان یک مجمع رسمی به‌منظور تبادل نظر در زمینه مسائل تخصصی کتابداری و اطلاع‌رسانی؛
- ایجاد ارتباط و همکاری بین مسلمانان جهان (متخصصان مسلمان) در زمینه مسائل کتابداری و اطلاع‌رسانی و طبقه‌بندی و ارائه اسناد و مانند آن‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و جهان و ارتباط حرفه‌ای با سراسر جهان؛
- همکاری برای تعیین اصول، قواعد و سیاست‌های حاکم بر تحقیقات اسلامی، فنون کتابداری، خدمات اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های مرتبط؛ مانند طبقه‌بندی موضوعات اسلامی، اصول فهرست‌نویسی نام‌های اسلامی و سرعنوان‌های موضوعی عناوین اسلامی (طاهری، ۱۳۸۵).

ج- شاپا (ISSN) شاپک (ISBN)^۲

شاپا یا شماره استاندارد بین‌المللی پیاپی‌ها یک شماره هشت‌رقمی منحصر به فردی است که برای مشخص کردن یک نشریه دوره‌ای چاپی یا الکترونیکی به کار می‌رود. این استاندارد توسط سازمان بین‌المللی استانداردسازی تحت نام ایزو ۳۲۹۷ در سال ۱۹۷۵ تبیین شده است. کدهای ISSN از جانب شبکه‌های مراکزی بین‌المللی که غالب آن‌ها در کتابخانه‌های ملی کشورهای مختلف قرار دارند تعیین می‌شوند. سازمان استاندارد بین‌المللی ISSN یک سازمان نیمه‌دولتی است که در سال ۱۹۷۴ با امضای یک موافقت‌نامه بین یونسکو و دولت فرانسه تأسیس شده است و همچنین مقر اصلی این سازمان در پاریس می‌باشد. این سازمان وظیفه حفظ و نگهداری و همچنین گسترش کدهای نوع ISSN را بر عهده دارد (سلطانی و راستین، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱).

شاپک یا شماره استاندارد بین‌المللی کتاب است که دارای شماره ۱۰ رقیمی منحصر به فردی است که برای مشخص کردن کتاب به کار می‌رود. این دو شماره استاندارد بین‌المللی دو نوع نظام رمزگذاری در مفهوم یکی هستند ولی کدهای شاپک (ISBN) فقط برای کتاب تخصیص

1. International Standard Serial Number
2. International Standard Book Number



می‌شوند در حالی که ISSN بیشتر برای نشریه‌هایی که دوره‌ای و خاص هستند تخصیص می‌یابد. برخلاف شابک ISSN نامی «مستعار» است که برای نشریه عنوان، محتویات و موضوعیت مطالب و یا ناشر و محل انتشارهای دوره‌ای گسترش داده می‌شود. ISBN در ایران توسط خانه کتاب که تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است صادر می‌شود و کتابخانه ملی صرفاً متولی صدور ISSN است (مطلبی، ۱۳۸۵).

۳-۲-۳ سایر نهادهای بین‌المللی پس از ادغام

الف - حافظه جهانی

کمیته ملی حافظه جهانی، یکی از کمیته‌های کمیسیون ملی یونسکو در ایران است که دبیرخانه آن در سال ۱۳۸۴ ش. در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. بر اساس دستورالعمل اجرایی، در حال حاضر این کمیته پانزده عضو دارد که هشت نفر از اعضای آن حقوقی و نمایندگان صاحب‌نظر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان صدا و سیما، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران و کمیسیون ملی یونسکو هستند و هفت نفر عضو حقیقی دارد که صاحب‌نظران و متخصصان میراث مستند هستند. همچنین ریاست کمیته با رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است. برای معرفی هر اثر، ابتدا برگ پیشنهاد ثبت - که بر اساس پرسش‌نامه رسمی یونسکو تنظیم شده - تکمیل و پس از بررسی اولیه و احراز شرایط، به گروه ارزیابی کمیته ملی حافظه جهانی ارسال می‌شود. این کمیته نیز در مرحله نخست، آثار واجد شرایط را به ثبت ملی حافظه جهانی می‌رساند و از بین آثار برای هر دوره، دو اثر را برای ثبت در حافظه جهانی معرفی می‌کند. این آثار، از طریق کمیسیون ملی یونسکو در ایران به برنامه حافظه جهانی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ارسال می‌شود (ادموندسون، ۱۳۸۹، ص ۲-۳).

ب - اتحادیه بین‌المللی رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو

اتحادیه بین‌المللی رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای عضو اکو، یک نهاد منطقه‌ای است، که بر پایه اهداف مندرج در اساسنامه سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) و بنا به پیشنهاد رئیس وقت کتابخانه ملی ایران در دهه ۸۰ ش. تأسیس یافت. این نهاد، همکاری خود را در راستای اهداف فرهنگی سازمان آغاز کرده و دبیرخانه دائمی آن ایران و در کتابخانه ملی است.^۱

۱. برگرفته از وبگاه کتابخانه ملی به نشانی
<http://www.nlai.ir/Default.aspx?tabid=1171>
مورخ 5/10/93.



۳-۳ صلاحیت‌های محلی

در حال حاضر سازمان اسناد و کتابخانه ملی، دارای مدیریت‌های استانی است که به نمایندگی از حوزه ستادی در سطح استان‌های مربوط مشغول به فعالیت هستند. سابقه برخی از این مدیریت‌ها، به بیش از دو دهه می‌رسد و سابقه برخی دیگر نیز به یک‌سال نمی‌رسد. سیاست سازمان در گسترش واحدهای خارج از حوزه ستادی در طول زمان متغیر بوده است و کماکان بحث‌های جدی راجع به نحوه مدیریت، جایگاه حقوقی و صلاحیت‌های آن‌ها، نحوه جذب اعتبارات و جذب نیرو وجود دارد. اما آنچه که در پژوهش حاضر حائز اهمیت است، بررسی مبانی قانونی ایجاد این مراکز است. مراجعه به قوانین سازمان یعنی قانون تأسیس سازمان اسناد ملی و نیز همچنین قانون اساسنامه کتابخانه ملی کمک چندانی در یافتن مبانی قانونی تأسیس مراکز استانی نکرد. کماینکه مطالعه مشروح مذاکرات مجلس در زمان بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی واقعیت‌هایی را در این زمینه آشکار می‌سازد که در بخش کتابخانه ملی ذیل همین بند به آن پرداخته می‌شود:

۱- اسناد ملی

سابقه راهاندازی مراکز استانی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی به پیش از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی باز می‌گردد. این مراکز با هدف اجتناب از تمرکز اسناد منطقه‌ای در مرکز و ایجاد تسهیلات برای پژوهشگران و محققان، همچنین جمع‌آوری و ساماندهی اسناد بومی، در ۵ منطقه اصلی مجوز تأسیس گرفتند.^۱ واحدهای آرشیوی استانی با وظایف کلی سازمانی ایجاد شدند که از نظر تشکیلاتی این واحدها مستقیماً زیر نظر ریاست سازمان اسناد ملی ایران انجام وظیفه می‌کردند. بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده، به‌نظر می‌رسد این مدیریت‌ها در آغاز راه، طبق مجوز صادره از سوی سازمان امور اداری و استخدامی، راهاندازی شده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها برحسب زمان تأسیس عبارتند از:

- آرشيو منطقه‌ای شمال غرب کشور با مرکزیت تبریز (۱۳۷۱)؛
- آرشيو منطقه‌ای غرب کشور با مرکزیت همدان (۱۳۷۱)؛
- آرشيو منطقه‌ای جنوب شرق کشور با مرکزیت کرمان (۱۳۷۲)؛
- آرشيو منطقه‌ای منطقه مرکز کشور با مرکزیت اصفهان (۱۳۷۵)؛
- آرشيو منطقه‌ای شمال شرق کشور با مرکزیت خراسان (مجوز صادره دهه هفتاد، راه‌اندازی در سال ۱۳۹۱).

استان‌های دیگری نیز در این میان تا زمان ادغام با کتابخانه ملی تأسیس یافتند که البته فاقد مجوز سازمان مدیریت بودند و این، به دلیل رویکرد قوانین برنامه‌های پنج‌ساله مبتنی بر

۱. مجوز تأسیس آن‌ها درسازمان اسناد و کتابخانه ملی موجود است.



کوچک‌سازی بدنه دولت و جلوگیری از تعریض تشکیلات دولتی بود. به هر روی، در مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۰ هیئت‌امانی کتابخانه ملی با استفاده از اختیارات حاصله از بند «ب» ماده ۷ قانون اساسنامه کتابخانه ملی، بر معضل قانونی یادشده، فائق آمد. بدین معنا، که به سازمان اجازه داد، تا پایان سال ۱۳۹۲ نسبت به راه‌اندازی نمایندگی‌های خود در استان‌های گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، زنجان، کردستان، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، آذربایجان غربی، ایلام، مرکزی، قم، البرز، هرمزگان، قزوین، کرمانشاه، و لرستان اقدام کند.^۱

اگرچه در قانون تأسیس اسناد ملی ایران، اشاره‌ای به فعالیت در سایر مناطق کشور نشده، لکن فرایند اجرایی عمل به وظایف سازمان، فعالیت در سطح منطقه‌ای یا نقاط مهم کشور، به‌ویژه از لحاظ پراکندگی اداری و تمرکز اسناد دولتی، این اقتضا را دارد که مراکز با هدف هماهنگی در اجرای این وظایف، ایجاد شوند. کماینکه در هشتمین جلسه شورای اسناد ملی به تاریخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ در خصوص نحوه امحای اوراق زائد شهرستان‌ها و نقاطی که فاقد کارخانه مقواسازی هستند، نسبت به امحای اوراق به نحو دیگر از قبیل سوزاندن، تصمیم‌گیری می‌شود^۲ و این موضوع نشان می‌دهد که فرایند اجرایی در عمل به وظایف سازمان و مآلاً فرایند نظارت بر آن وظایف، سازوکار مناسب می‌طلبد، که این سازوکار از طریق تأسیس آرشیوهای منطقه‌ای در آن مقاطع زمانی تأمین گشته است.

۲- کتابخانه ملی

بر اساس مفاد ماده یک قانون اساسنامه کتابخانه ملی این نهاد زیرنظر مستقیم ریاست‌جمهوری اداره می‌شود و محل آن تهران است. با مطالعه مشروح مذاکرات مجلس در هنگام بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی، به‌نظر می‌رسد آنچه که سبب می‌شود بر مقر کتابخانه ملی در شهر تهران تأکید شود، اصرار بر یگانه‌بودن این نهاد و اجتناب از سوق‌دادن تشکیلات کتابخانه ملی، به‌سوی امور اجرایی است.^۳ از این‌رو پس از بحث و تبادل نظر نمایندگان، ماده یک قانون به شرح فوق به‌تصویب می‌رسد.

پس از ادغام سازمان اسناد ملی با کتابخانه ملی، همان‌گونه که در گفتار اول همین فصل اشاره شد، مصوبه شماره ۱۳۳۸۲/۱۰/۱۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۶/۹ با تأکید بر حاکمیت قانون اساسنامه کتابخانه ملی تدوین یافت. حال این سؤال مطرح می‌شود آیا بین صلاحیت‌های کتابخانه ملی و اسناد ملی در این وضعیت، تعارضی حاصل می‌شود در این‌صورت به چه وضعیتی باید رفع تعارض کرد. آیا باید صلاحیت‌های کتابخانه ملی به استناد صلاحیت‌های اجرایی اسناد ملی در سطح کشور گسترش یابد یا صلاحیت‌های محلی اسناد ملی به تبعیت از قانون اساسنامه

۱. مصوبه شماره ۲۲۴۵/۹۰/ص مورخ ۹۰/۵/۱۰ هیئت‌امانی سازمان متن مصوبه پیوست است.
۲. صورتجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی که متن آن پیوست است.
۳. مشروح مذاکرات مجلس موضوع بررسی طرح اساسنامه کتابخانه ملی.



کتابخانه ملی محدود شود.

پاسخ به این سؤالات از جهات بسیاری حائز اهمیت است زیرا هم‌اکنون سازمان در برنامه‌های خود به لحاظ تشکیلات اداری و سطوح مدیریتی مراکز استانی، بودجه، نیرو و جذب اعتبارات استانی دچار چالش است. مضافاً آنکه بخشی از فعالیت‌های معاونت کتابخانه ملی نیز در راستای عدم تراکم به مراکز استانی محول شده است و این مسئله مناقشاتی را مطرح ساخته است.

برخی از کارشناسان و به استناد تأکید قانونی به استقرار محل کتابخانه ملی در شهر تهران، فعالیت‌های حوزه کتابخانه ملی خارج از محدوده تعیین‌شده در شهر تهران را فاقد وجاهت قانونی می‌پندارند و برخی دیگر نیز گسترش صلاحیت حوزه کتابخانه ملی به واسطه وضعیت جدید پس از ادغام با سازمان اسناد ملی را کاملاً منطبق با قانون می‌دانند. برخی نیز با مطالعات تطبیقی به طرز عمل سایر کتابخانه‌ها و آرشیوهای ملی در این زمینه استناد می‌کنند که ورود به این موضوع خارج از چارچوب پژوهش حاضر است.

صرف‌نظر از مناقشات موجود، علی‌رغم آنکه نمایندگان محترم بر حاکمیتی بودن اهداف و وظایف کتابخانه ملی تأکید داشته‌اند، به‌نظر می‌رسد کتابخانه ملی نیز در عرصه عمل به تکالیف قانونی خود، ناگزیر از ورود به عرصه اجرایی است. که این موضوع سازوکار مناسبی را می‌طلبد. همان‌گونه که در خصوص اسناد ملی و آرشیوهای منطقه‌ای مطرح شد، تأسیس واحدهای استانی، می‌تواند راه‌حل مناسبی باشد و این مسئله منافاتی با حاکمیتی بودن وظایف کتابخانه ملی ندارد زیرا این عمل، در راستای تراکم‌زدایی صورت می‌پذیرد نه تمرکززایی. یعنی کتابخانه ملی در تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری همچنان متمرکز عمل می‌کند لکن بخشی از وظایف اجرایی را به واحدهای استانی تفویض می‌کند. که البته این عمل می‌تواند به لحاظ تعریض تشکیلات دولت موردنقد قرار گیرد.

منابع

- ادموندسون، ری (۱۳۸۹). *حافظه جهانی رهنمودهای یونسکو برای حفاظت از میراث مستند*، ترجمه: کمیته حافظه جهانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- ریاست‌جمهوری (۱۳۸۹). *راهنمای سامانه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران*. تهیه و تدوین: مهدی نیک‌نژاد، امیر هوشنگ ملکیان، حسین اخباری، امیر حسین محمدی. تهران: ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار.
- سلطانی، پوری؛ فروردین، راستین. (۱۳۷۹). *شاپا. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی ذیل: شماره استاندارد بین‌المللی پیابندها*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.



- شاکری مطلق، محبوبه (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های ملی کانادا و استرالیا. رساله کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه شهید بهشتی.
- طاهری، طاهره (۱۳۸۵). کاملیس. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی ج ۲. ذیل واژه کاملیس تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۸۸). *شورای جهانی آرشیو شاخه جنوب و غرب آسیا*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
- کاشانی، محمود (۱۳۹۳). لایحه برنامه پنجم قابل طرح در مجلس نیست. سایت خبری خبرآنلاین ۹ اسفند.
- مرادی، نورالله (۱۳۹۲) پاسخ دکتر نورالله مرادی نکاتی درباره ادغام کتابخانه ملی و سازمان اسناد ملی: پاسخ به استاد کاوه بیات (۱۳۹۲) / *لینزا*. ۲۱ اسفند کد مطلب ۱۴۳۶۷
- مطلبی، داریوش. (۱۳۸۵). شابک. *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی ج ۲ ذیل واژه شابک*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- معاونت اسناد ملی، (۱۳۹۱). *مجموعه قوانین و مقررات اسناد ملی ایران*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- میرمحمدی، محمد (۱۳۹۲). تحلیل کیفی و واکاوی ادغام دستگاه‌های دولتی. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*. دوره ۱۷، ش. ۱، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- نشاط، نرگش (۱۳۸۵). ایفلا. *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۱. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۹). *مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. تهیه و تدوین معاونت حقوقی امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. خانه کتاب.





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حوزه ریاست

تهران
پلاک ۱۱۱، خیابان ولیعصر
کد پستی: ۱۵۸۷۵/۳۶۱۳
تلفن: ۸۶۹۱۰۷۳۰
فکس: ۸۶۹۱۰۷۴۰
پست الکترونیک: pubir@nli.ir

تاریخ

شماره

پیوست

ریاست جمهوری

شماره

مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ بیات اسنایی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به موجب بند (ب) ماده (۱۶) قانون اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران آئین نامه مالی و
معاملاتی پیشنهادی سازمان شکل بر ۱۶ ماده و ۱۷ تبصره به همراه دستورالعملی مربوطه تصویب قرار گرفته و
از آغاز سال ۱۳۸۷ قابل اجرایی باشد.

محمد مهدی نژاد
رئیس جمهور و رئیس هیئت امنای

عبدالله خلیلی
وزیر امور اقتصادی و دارایی
عضو هیئت امنای

محمد حسین صفارهرندی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
عضو هیئت امنای

محمد مهدی نژادی
وزیر راه و ترابری
عضو هیئت امنای

مصطفی تقی داماد
عضو هیئت امنای

محمد حسن بهرینی
عضو هیئت امنای

علی اکبر اشوری
رئیس هیئت مدیره و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی
عضو هیئت امنای

ارتباطات و تحقیقات و فناوری
کتابخانه - مجامع صنعت - خیابان ولیعصر
تهران - پستی: ۱۵۸۷۵-۳۶۱۳
تلفن: ۸۶۹۱۰۷۳۰-۸۶۹۱۰۷۴۰

آئین نامه مالی معاملاتی مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شماره: ۸۹۴۰۲۳۱۹/۴۲
تاریخ: ۸۹/۸/۱۱
پیوست:



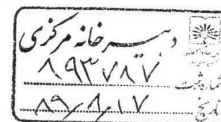
ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

با سلام،

احتراماً، بازگشت به نامه ارسالی آن سازمان محترم تحت شماره ۸۹/۲۷۹۴/ص مورخ ۸۹/۴/۱۷ به مؤدای شمول قانون اسناد ملی ایران به شرکت متبوع به استحضار می‌رساند: نظر به اینکه به استناد مواد قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹ خاصه ماده ۶ و نیز مندرجات آئین نامه تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء آن مصوب ۱۳۵۱ که در هر دو سند مخاطب اجرای ضوابط مقرر، وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت تعیین گردیده، لذا با عنایت به اینکه مواد ۲ و ۳ قانون محاسبات عمومی و نیز مواد ۱ و ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری بالصراحه در مقام تعریف «وزارتخانه» و «مؤسسه دولتی» برآمده و شرکت متبوع به دلیل اعمال تصدی نه تنها از مصادیق مؤسسه دولتی تلقی نمی‌گردد، بلکه به دلیل تعلق کمتر از ۵۰ درصد به بخش دولتی، از ذیل عنوان شرکت دولتی نیز خروج موضوعی دارد و نامه شماره ۸۵/۲۰۱۳۶ مورخ ۸۵/۵/۸ سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (تصویر پیوست) نیز مؤید این امر است، انتهایه بنا به جامع مراتب معنونه به استحضار می‌رساند این شرکت از حیث مقررات فوق‌الاشاره مشمول شرایط مقرر درخصوص کیفیت بایگانی یا امحاء اسناد دولتی نمی‌گردد.

جواد نجم‌الدین
مدیر عامل

مستند
۱۹۳۷۸۷
۱۹۴۰۲۳۱۹/۴۲
۸۹/۸/۱۱
۸۹۴۰۲۳۱۹/۴۲
۸۹/۸/۱۱



معاونت بازاریابی و فروش
تهران، کیلومتر ۱۴ جاده قدیم کرج

شرکت ایران خودرو (سهام عام)
تهران، کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج

مکاتبه شرکت ایران خودرو به تاریخ ۸۹/۸/۱۱ به شماره ۸۹۴۰۲۳۱۹/۴۲/ص خ



بسم تعالی
ریاست جمهوری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رئیس سازمان

مصوبه هیأت امناء سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

به پیشنهاد رئیس سازمان و براسناد بنده «ب» ماده (۷) اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی اجازه داده می شود تا پایان سال ۱۳۹۲
فایندگی های خود را در استان های: کهستان، مازندران، گیلان، اردبیل، زنجان، کردستان، خوزستان، گنگیلو و بویراحمد، چهارمحال
بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، آذربایجان غربی، ایلام، مرکزی، قم، البرز، هرمزگان، قزوین، کرمانشاه و لرستان
تأسیس نماید.

محمود احمدی نژاد
رئیس جمهوری اسلامی ایران

تاریخ:

۹۰/۰۵/۱۰

شماره:

۹۰/۲۳۴۵ ص

پیوست:

محمد رضا حاجی بابایی
وزیر آموزش و پرورش و عضو هیأت امناء

کامران دانشجو
وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و عضو هیأت امناء

سید سید ابوالور
عضو هیأت امناء

سید محمد حسینی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو هیأت امناء

اسحق صلاحی
وزیر هیأت امناء و

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران

صدور و پستی: ۱۵۸۷۵ ۳۶۹۳

تلفن: ۸۸۶۴۴۰۷۰-۸۸۶۴۴۱۱۴

شماره: ۸۸۶۴۴۰۵۳

پست الکترونیک: Pna@nlai.ir

http://www.nlai.ir

مصوبه شماره ۲۳۴۵ / ۹۰ / ص مورخ ۹۰/۵/۱۰ هیئت امنای سازمان



صور تجلسه
شورای سازمان اسناد ملی ایران
مورخ ۵۲/۹/۲۷

هشتمین جلسه شورای سازمان اسناد ملی ایران طبق دعوت قبلی در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۵۲ به ریاست آقای محمود کشفیان وزیر مشاور و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور به شرکت آقایان اکبرزاد معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و هنر، غلامرضا سلحشور معاون اول دادستان کل کشور، علی اکبرسیدزاده دادستان دیوان محاسبات، مجتبی مینوی و عباس زریاب خوشی استادان دانشگاه (اعضا شور) و سیروس پرهام دبیر شور و رئیس سازمان اسناد ملی ایران تشکیل گردید.

پس از اعلام رسمیت جلسه شور و وارد دستور شد ابتدا نامه ژاندارمری کشور که در آن درخواست شده بود اوراق ژاندارمری بعلمت محرمانه بودن بجای تحویل به کارخانه های مقواسازی بنحودیگری (نظیر سوئد ن) امحا* شود مطرح گردید. شور پس از استماع اظهارات نماینده تام الاختیار ژاندارمری کشور نظر داد که در مواردی که به تشخیص و ژاندارمری کشور اوراق ژاندارمری باید سوزانیده شود ژاندارمری می تواند با رعایت تشریفات و مقررات مربوط نسبت به سوزاندن اوراق مزبور اقدام نماید. در نامه فوق الذکر همچنین درخواست شده بود که به ژاندارمری کشور اجازه داده شود که برای امحا* اوراق ژاندارمری خود از آئین نامه پایگانی ارتش شاهنشاهی که از سال ۱۳۴۹ در ژاندارمری کشور پیروی اجرا کرده شده و در آن مدت نگهداری اوراق و پرونده ها تعیین گردیده است تبعیت نماید. دبیر شور در این مورد توضیح داد که طبق قانون تاسیس سازمان اسناد ملی ایران ژاندارمری کشور تابع آئین نامه ها و دستورالعمل های این سازمان می باشد و نمی تواند مستقیما* از آئین نامه مورد عمل ارتش شاهنشاهی تبعیت نماید و در صورتیکه منظور ژاندارمری کشور اجرای ضوابط و موازین مندرج در آئین نامه مزبور می باشد می تواند این ضوابط را به شور پیشنهاد نماید و پس از تصویب شور ملاک عمل قرار دهد. این نظر مورد تصویب شور قرار گرفت و مقرر گردید که به همین ترتیب مراتب به ژاندارمری ابلاغ شود.

نشانی: بهجت آباد خیابان زاهد - شماره ۶۶ - تلفن: ۴۶۵۲۵ - ۶۶۶۱۱۶

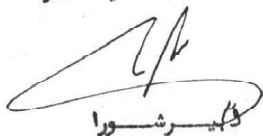
صور تجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی - صفحه اول

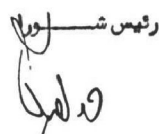
سپس فهرستهای اوراق زائد ژاندارمری کشور و شهرهای کشور و سازمان مرکزی تعاون روستایی با حضور نمایندگان تام الاختیار آنها مطرح گردید و نسبت به آنها به شرح تصویبنامه‌های پیوست اتخاذ تصمیم بعمل آمد.

پس از رسیدگی به فهرستهای اوراق زائد دبیرشورا طرح پیشنهادی سازمان اسناد ملی ایران را در مورد جدول زمانی بعضی از اسناد و اوراق عمومی مطرح نمود. شورا پس از بررسی طرح پیشنهادی آنرا با تغییر جزئی بصورت پیوست مورد تصویب قرار داد و مقرر نمود که مدت‌های تعیین شده در این جدول ملاک عمل سازمان اسناد ملی ایران در رسیدگی به فهرستهای اوراق زائد قرار گیرد. بدین معنی که سازمان پس از انطباق فهرستهای اوراق زائد با جدول منبهر فقط مواردی را در شورا مطرح نماید که مدت نگهداری تعیین شده در فهرست کمتر از مدت مقرر در جدول زمانی اسناد و اوراق عمومی باشد و در سایر موارد اجازه امحاء اوراق منطبق با جدول منبهر را رأساً صادر نماید.

آخرین مسئله‌ای که در شورا مطرح گردید و مورد بررسی و اخذ تصمیم واقع شد موضوع ترتیب امحاء اوراق زائد در شهرستانها بود. دبیرشورا توضیح داد که به علت محدود بودن کارخانه‌های کاغذ و مقواسازی امحاء اوراق زائد در اکثر ادارات دولتی در شهرستانها از طریق فروش و واگذاری به کارخانه‌های منبهر امکان ندارد و بنابراین لازم است در اینگونه موارد ترتیب دیگری برای امحاء اوراق زائد تعیین گردد. شورا پس از بررسی جوانب امر تصویب نمود در نقاطیکه کارخانه‌های کاغذ و مقواسازی وجود ندارد امحاء اوراق زائد بترتیب مقتضی و مناسب (نظیر سوزاندن) و با رعایت تشریفات و مقررات مربوط انجام گیرد.

جلسه شورا در ساعت ۱۲ خاتمه یافت و جلسه آینده به دعوت دبیرشورا موکول گردید.


رئیس شورا


دبیر

تاریخ
 شماره
 پیوست

جدول زمانی اسناد و اوراق عمومی
 مصوب جلسه مورخ ۲۷ / ۹ / ۵۲ شورای سازمان اسناد ملی ایران

عنوان و شرح ردیف	مدت نگهداری
۱- <u>دفاتر اندکس (یا اندکس) دبیرخانه</u> : در این گونه دفاتر نامه های وارده براساس شماره اصلی آنها ثبت می شود و نشان دهند شماره اندیکاتور وارده مربوط می باشد .	د سال
۲- <u>دفاتر ارسال مراسلات یا کارت ها و اسناد مشابه</u> که صرفاً جنبه اثبات تحویل مراسلات به تحویل گیرنده دارد .	د سال
۳- <u>دفاتر یا کارت های حضور و غیاب و اسناد و برگه های مشابه</u>	یکسال
۴- <u>پرونده گردان یا لیور و کپی که شامل نسخه های زنا مه های صادره در روز می باشد .</u>	یکسال
۵- <u>اسناد و اوراق مربوط به درخواست شغل و اوطلبان استخدام که مورد اقدام قرار نگرفته است</u> بشرط آنکه نسخ اصلی مدارک و اوطلبان پیوست نباشد .	د سال
۶- <u>اوراق یا دفاتر مربوط به ثبت ورود و خروج افراد مختلف و مراجعان به سازمان .</u>	یکسال
۷- <u>پاکت الف و ب مناقصه های دولتی</u> مربوط به کسانی که برنده مناقصه نشد فاند و سپرد مخود را دریافت داشته اند و برگه دعوت اقتراض نیز از آنان اخذ شده است .	یکسال
۸- <u>نامه های که به پیوست آنها کتب چاپی و نشریات ارسال یا دریافت میشود</u> و با وصول آنها اعلام می گردد .	یکسال
۹- <u>کاتالوگ ها و پرو شورها ی موسسات تولیدی یا وار د کنند ه کالاهای که رسماً</u> دریافت می شود بشرط آنکه صرفاً جنبه تجارتی و معرفی کالا داشته و ماک اقدام اداری نیز قرار نگرفته باشد .	شش ماه

نشانی : بهجت آباد خیابان زاهد - شماره ۶۶ - تلفن : ۴۶۵۲۵ - ۶۶۶۱۶

صور تجلسه شماره ۸ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ شورای اسناد ملی - صفحه سوم





بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

رئیس کل

باسمه تعالی

جناب آقای علی اکبر اشعری

مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

باسلام

عطف به نامه شماره ۸۶/۱۰۷۹۴/ص مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۶ به استحضار می‌رساند، طبق بند ۵۵ ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی ج.ا.ا. جزء در مواردی که قانون صریحاً مقرر داشته باشد، مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت نمی‌باشد. با توجه به اینکه در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۱۷، صراحتاً ذکر می‌شود از نام این بانک به میان نیامده و از نظر تاریخ نیز مقدم بر قانون پولی و بانکی است، قانون یادشده و تمام مقررات و مصوباتی که بر اساس آن تهیه شده‌اند، این بانک را در بر نمی‌گیرد.

لذا بانک مرکزی ج.ا.ا. از نظر مدت و طرز نگهداری اوراق بازرگانی و اسناد و دفاتر، تابع و مشمول آیین‌نامه‌ای می‌باشد که وفق بند ۵۵ ماده ۳۳ قانون پولی و بانکی کشور به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و چون اسناد و مدارک موجود در این بانک صرفاً جنبه تجاری و حسابداری دارند، قانونگذار در نحوه نگهداری آنها ترتیب ویژه‌ای را پیش‌بینی ننموده است.

مراتب جهت استحضار تقدیم می‌گردد.

ابراهیم حبیبی

رئیس کل

مستند، مدیریت کل امور

انواع ۵۴/۵

مکاتبه بانک مرکزی به تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۲



جناب آقای اشعری
رئیس محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی

با سلام

نظر به اینکه برخی اسناد و مدارک (راکد) مجلس شورای اسلامی از چند سال قبل به آن سازمان منتقل گردیده است، بنا به دلایل زیر و نیاز ضروری مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دستور فرمایید نسبت به بازگرداندن تمام اسناد اقدام شود.

۱ - موضوع انتقال اسناد مجلس شورای اسلامی به مکان دیگری به غیر از محدوده قوه مقننه عملی است غیرقانونی و همانگونه که مطلعید مشابه همین امر در قانون تأسیس سازمان اسناد ملی مصوب ۱۳۴۹ به صراحت به این موضوع اشاره دارد.

۲ - این در حالی است که قوه مقننه خود دارای مرکز اسنادی مستقل، با امکانات و استعداد نیروی متخصص می باشد.

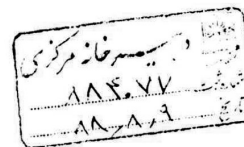
۳ - قالب این اسناد به لحاظ تجربی در روند قانونگذاری مؤثر است و مرکز اسناد مجلس محل رجوع نمایندگان و مدیران ارشد مجموعه می باشد.

۴ - همچنین لازم به توضیح است که برخی از اسناد مجلس به لحاظ طبقه بندی کاملاً منحصر بفرد بوده و بازگشت آن ضروری به نظر می رسد.

۵ - علاوه بر موارد فوق، بدلیل فقدان اسناد مربوط به دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی طی سالهای اخیر مختل و در بخشهای فراهم آوری و اطلاع رسانی با مشکل جدی مواجه گردیده و صلاح بر این منوال است که کلیه اسناد مجلس شورا از ابتدای تأسیس نهاد مشروطیت تاکنون در یک مجموعه آرشیو و متمرکز تا در اختیار پژوهشگران و محققان قرار گیرد.

بنابراین شایسته است با توجه به مراتب فوق همکاری لازم را در اسرع وقت معمول دارید.

علی لاریجانی



مکاتبه مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۸۸/۸/۳ به شماره ۱۰/۳۷۳۹۵